

## سلطنت تلگرافی (۱)

(اسنادی از واپسین سالهای حکومت احمدشاه)

جلال فرهمند

بررسی منحنی قدرت سلسله قاجار نشان از آن دارد که اوج این منحنی از سلسله جنبان آن یعنی آقامحمدخان تا آخرین آن یعنی احمد شاه سیری نزولی داشته است. دوره صدوچهل ساله‌ای که ابتدا و انتهای آن قابل مقایسه نیست. دوره‌ای که پایان آن با توجه به مقتضیات زمان و تغییر و تحولی که به سبب مشروطه و اوضاع جهانی پیش آمده بود منجر به تضعیف دولت مرکزی در ایران شده بود. احمدشاه که در نوجوانی و در اوایل جوانی بر تخت نشست عاقبت خوشی نداشت. دوران آغازین سلطنتش با شروع جنگ عالمگیر همراه شد. گسترش جنگ اروپا به ایران، هرج و مرج ناشی از قیامها و شورشهای شمال و جنوب و غرب کشور، آشفتگی اقتصادی، بیماری و قحطی و از آن بدتر رقابتهای سیاسی گروههای مختلف داخلی که از اول مشروطه با جناح‌بندیهای خود جنگی داخلی به وجود آورده بودند افق روشنی برای سلطنتش رقم نمی‌زد.

پس از پایان جنگ جهانی اول دو علت به علت‌های ناکامی احمدشاه افزوده گشت که دیگر علتها را تحت الشعاع خود قرار می‌داد: یکی پیروزی انقلاب بلشویکی روسیه در ۱۹۱۷ که منجر به سرنگونی حکومت تزاری گردید و دیگر بیکه تازی بریتانیا در ایران که باز به علت قبل مربوط بود.

پیروزی انقلاب بلشویکی در روسیه توازن قوا را در ایران برهم زد. توازن قوایی که از اوایل قاجاریه پیوسته از سوی شاهان ایرانی برای رهیدن از فشار مضاعف از آن استفاده می‌شد. توازنی که موجب می‌گردید ایران بر طبق آن به تنهایی لقمه یکی از این دو رقیب یعنی روس یا انگلیس نگردد. ولی یک سال پیش از پایان جنگ، انگلیس با توجه به

فروپاشی خاندان رومانف در موقعیتی ویژه قرار گرفت. اشغال کل ایران به وسیله بریتانیا اتفاق ناگهانی‌ای بود که انگلیس بدون هزینه کردن وجهی در آن شرکت کرد. دولت و حکومت ضعیف ایران توان رویارویی با توطئه‌های انگلستان را نداشت. تمه نیروهای سیاسی جان به در برده از وقایع جنگ در ایران چه می‌توانستند بکنند. قرارداد ۱۹۱۹ جنبه قانونی اشغال آشکار ایران بود. قراردادی که کل نیروهای مسلح و آینده سیاسی و اقتصادی ایران را به زیر سلطه انگلیس می‌برد. مخالفتهای نیروهای سیاسی داخلی پس از عقد این قرارداد یکی از مهم‌ترین حرکت‌های ضد استعماری پس از مشروطه است. انگلیسیها که در صفحات شمال ایران و جنوب روسیه به حمایت از روسهای سفید برخاسته بودند پس از غلبه بلشویکها بر این نیروها به قدرت انکارناپذیر کمونیستها پی بردند. کمونیستها با ایدئولوژی عامه‌پسندشان که جاذب اقشار پایین جامعه بود خطری بالقوه برای منافع انگلیس و جهان غرب در کل دنیا بودند. از اوائل دهه بیست میلادی شوروی کمونیستی مجدداً امپراطوری روسیه را به شکل دیگری احیا کرده بود ولی نه با شعار استعماری بلکه با شعار آزادی خلقهای تحت ستم. مبارزه با نیرویی که مجدداً در سر حد سابق روسیه و ایران سنگر گرفته بود و امواجی از آن در داخل ایران گسترش یافته بود، کار انگلیس به تنهایی نبود. استعمار کهنه باید شکل نو می‌یافت و از نیروها و قدرتهای داخلی کشورهای تحت سیطره به شکل قدرتمندی استفاده می‌کرد. بدین لحاظ فکر ایجاد حکومت مرکزی مقتدر که قدرت داخلی را با کمک انگلیس احیا کند در سیاستهای آن کشور گنجانده شده بود. حرکت سید ضیاءالدین طباطبایی با کمک نیروهای قزاق ناراضی، در کودتای سوم حوت، اولین حرکت این ایده بود. در پس این نقشه احیای مجدد قدرت مرکزی موج می‌زد چه با حضور سلسله قاجار و یا بدون آن. پیدا شدن شخصی چون رضاخان که تا آن زمان نامی از وی نبود و بر سر زبان افتادن وی پس از اعلامیه معروف «من حکم می‌کنم» در حکومت نظامی صبح سوم حوت دال بر عمق این ماجراست. احمدشاه نمی‌توانست پیش برنده نقشه بریتانیا باشد. قزاق جزئی چون رضاخان میرپنج انتخاب خوبی بود. وی مردی از جنس مشیرالدوله و وثوق‌الدوله و قوام‌السلطنه و حکمرانان قدیمی نبود. مردی بدون نام و نشان و فاقد شخصیتی ملی و دینی که با کمک شم نظامی خود آنچه می‌خواست می‌کرد. رقیبی قدرتمند برای احمدشاه که البته در ابتدا سر تسلیم مقابل «بندگان همایونی» داشت و در



احمدشاه در موقع بدی به سلطنت رسید [۱۰۶۹۲-۳]

ظرف کمتر از ۵ سال «بندگان همایونی» سرتسلیم‌اش فرود آورد.<sup>۱</sup>

۱. با توجه به اسناد به دست آمده، آماده ساختن شخصی چون رضاخان شصت تیر برای کودتا از حدود یک سال قبل آغاز شده بود. رضاخان از لحاظ شخصیتی آنچنان روحیه نداشت که این کار را به تنهایی انجام دهد. شخص صاحب نفوذ و کاردانی لازم داشت. وی اردشیر ریبورتر عامل مهم اطلاعاتی انگلیس در ایران بود که تحت لوای نمایندگی «انجمن زرتشتیان هندوستان در ایران» با طیفهای وسیعی از مقامات ایرانی آشنایی داشت. وی در خاطراتش که گوشه‌ای از آن به دست ما رسیده به چگونگی شناسایی رضاخان و تلاشهایش جهت آماده کردن وی برای کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ صراحتاً اذعان می‌کند. وی پس از توضیح چگونگی آشنا شدنش با رضاخان که در یک پروسه اطلاعاتی صورت گرفت می‌نویسد:

شاه ملایم‌الطبع که البته اهل دردسر و درگیری نبود راه آسانتری برای فرار از معرکه پیش گرفت و آن سفر به خارجه و سپردن کشور به قضاو قدر بود.

سفر مقامات سیاسی در زمان ما اتفاق عجیبی نیست ولی در صد سال پیش این‌گونه نبود. خالی شدن جای شاه آن هم به مدت چندین ماه زمینه هر اتفاقی را در کشور ایجاد می‌کرد. سفر سه پادشاه آخر قاجار (بجز محمدعلی شاه) برای خود حکایتی دارد که در جای خود قابل بررسی و تحلیل است. حرکت دائم در ذات قبایل و عشایر کوچ‌نشین بود که قاجار نیز از آن مستثنی نبودند. این امر بیش از همه نزد ناصرالدین شاه دیده می‌شود. وی بسیاری از زمان سلطنت خود را در سفر گذراند، در دارالخلافه نیز نمی‌توانست دوام و استقرار یابد و حتی در ایامی که در پایتخت بود در حومه شهر به سفرهای کوتاه مدت می‌رفت. سفرهای متناوب هر ساله‌اش در مناطق مختلف ایران و شکارهای متعددش در سفرنامه‌ها به کامل‌ترین شکل ثبت شده است، ولی سفرهای وی به فرنگ حکایتی دیگر دارد. سه سفری که هر کدام کم و بیش تأثیری بر ایران گذاشت و نتایج آن در سطح ظاهر و خصوصاً پایتخت به چشم می‌خورد. آراستگی و انضباط پایتخت‌های اروپایی؛ بلدیة و سنگفرش برای طهرانیان به ارمغان آورد و قانون و مجلس آنجا، شاه را ترغیب به تشکیل هیئتی نیم‌بند برای قانون‌نویسی کرد. البته بعد از مدتی نه سنگفرشی ماند و نه قانونی!

→ «ملاقات‌های بعدی من با رضاخان در نقاط مختلف و پس از متجاوز از یک سال، بیشتر در قزوین و طهران صورت می‌گرفت. پس از مدتی که چندان دور نبود حس اعتماد و دوستی دوجانبه بین ما برقرار شد. او ترکی و روسی را تا حدی تکلم می‌کرد و به هر دو زبان به روانی دشنام می‌داد؛ به زبانی ساده تاریخ و جغرافیا و اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران را برایش تشریح می‌کردم، به ویژه مایل بود که سرگذشت مردانی را که با همت خود کسب قدرت کرده بودند برایش نقل کنم... سؤالاتش می‌رساند که به افق دورتری می‌نگرد و مایل است که از اصول مملکتداری آگاه شود... بین سیاست انگلیس و آنچه منجر به کودتای ۲۱ فوریه ۱۹۲۱ گردید یک نوع اشتراک و تضاد منافع و مصالح بود بدیهی است که هرگاه در اثر انقلاب روسیه و وضع جهان پس از پایان جنگ بین‌المللی همکاری مصلحتی روس و انگلیس دچار وقفه نمی‌شد چه بسا رژیم فاسد و بی‌رمق قاجاریه به زندگی ننگین و تابسامان خود ادامه می‌داد و به منوال گذشته حقوق و منافع ایران تابع مقاصد دو دولت همسایه بود... نماینده وزارت خارجه بریتانیا معتقد بود که کابینه مشیرالدوله سروسوورتی به اوضاع داده است ولی آنچه را که من به نایب‌السلطنه هند گزارش دادم این بود که خانه ایران از پایست ویران است و قرارداد ۱۹۱۹ هم فاقد ارزش و هرچه زودتر باید به عنوان پیروزی برای ایران، باطل و لغو شود... در این مرحله، به دستور وزارت جنگ در لندن و نایب‌السلطنه هند همکاری نزدیک ژنرال آبرونساید و من آغاز شد. من برای نظرات رضاخان درباره نیروی فراق اعتبار فراوانی قائل بودم و سرانجام او را به آبرونساید معرفی کردم. آبرونساید همان خصال را در رضاخان می‌دید که من دیده بودم و هر دو برای این مرد احترام زیادی قائل بودیم. سند شماره ۲۷۳۰۷ تا ۲۷۳۲۵ موجود در آرشیو مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

شاه بعدی نیز که پس از چهل سال ولیعهدی با حالی علیل و بیماریهای مختلف لاعلاج به تخت نشست با ترغیب درباریان سودجود و ملون المزاج، راه پدر را ادامه داد و سفرهای سه‌گانه وی شروع شد. این سفرها چیزی جز قروض سنگین برای اقتصاد ضعیف ایران در پی نداشت.

لهیب انقلاب مشروطه فرصتی برای محمدعلی شاه نگذاشت که به سیر و سیاحت غرب بپردازد. هر چند که به سفری دائمی تبعید گشت و دیگر ایران را ندید، ولی احمدشاه فرصت داشت. سفرهای سه‌گانه وی تکرار سفرهای پدر بزرگ و جدش بود. انگار عدد سه پیوندی ناگسستنی بین این سه نفر ایجاد کرده بود. آن دو پادشاه قبلی با اطمینان خاطر و بدون ترس از اینکه اتفاقی در کشور برایشان رخ دهد به آن سفرها می‌رفتند ولی این امر برای احمد شاه چنین نبود. بجز سفر اول وی، در دو سفر دیگرش رضاخان سردار سپه در طهران کمین کرده بود، و در سفر سوم و آخرین سفر احمدشاه کار نهایی را انجام داد.

هرچند برخی از محققان سفرهای احمدشاه را به اجبار وی توجیه می‌نمایند و علت‌هایی نیز برای آن ذکر می‌کنند ولی ناگزیر از قبول آنیم که سفرهای وی در آن مقاطع حساس را جز نشانه آشکاری از ضعف و سستی شاه ندانیم.

شاید سفرهای احمدشاه را دلیل اصلی سرنگونی قاجاریه به حساب نیاوریم و ضعفهای سیاسی و اقتصادی را که ریشه در سالها قبل داشت برای سرنگونی آنان ذکر کنیم ولی این سفرها بهانه‌ای شد که احمدشاه و سلسله‌اش آنچنان مورد آماج حملات مخالفان قرار گیرند که بسیاری از نویسندگان، سفرهای وی را یکی از علل سرنگونی قاجاریه بدانند.

### سفر اول احمد شاه

پس از پایان جنگ جهانی اول که اوضاع اروپا اندک آرامشی گرفته بود. شاه به بهانه دعوت بریتانیاییها دل به سفر اروپا بست. اواخر سال ۱۳۳۷ق از تهران به سوی اروپا حرکت کرد. کشور در گرداب مشکلات قرارداد ۱۹۱۹ و ثوق‌الدوله فرو رفته بود و جو سیاسی حاکم جو ضد قرارداد بود. هرچند که کشور را مجلسی نبود ولی فعالان سیاسی با توجه به وجود آزادی نسبی موجود، بر ضد قرارداد تبلیغ علنی می‌کردند. فعالان سیاسی هر دو طرف - موافق و مخالف قرارداد - پشتیبانی شاه را می‌خواستند. شاه نیز

که چندان در قرارداد به بازی گرفته نشده بود دل خوشی از آن نداشت. شاید یکی از علل خروج وی از کشور برای این سفر، کناره گرفتن از درگیری این دو جناح بود که وی از دور پیروز شدن یکی از دو رقیب را نظاره کند، آنگاه تصمیم بگیرد. احمدشاه در هنگامه مبارزه موافقان و مخالفان قرارداد، گاه روی خوش به این می نمود و لبخندی به آن می زد و سیاست یک چکش به میخ و یکی به نعل را در پیش گرفته بود.

زمانی که وی روی خوش به مخالفان و ثوق الدوله نشان داده بود و جبهه مخالفان و ثوق الدوله را تقویت کرد، طرفداران قرارداد را تحرکی جدید پیش آمد چنانکه مکی می نویسد:

این اظهار مهربانی شاه باعث تکدر قلبی رئیس الوزراء شده به وسیله عده‌ای به شاه پیغام می دهد که اگر این قرارداد بسته نشود چنین و چنان خواهد شد و در خاتمه پیغام خود اضافه می نماید که شاه خوب نبود به مخالفین دولت اظهار مهربانی و مساعدت نماید. به علاوه از خارج هم پیغامها و ملاقاتهایی با شاه به عمل می آید و فشارهایی وارد می گردد. از این رو شاه هم متوجه می شود که اگر با ملیون و مخالفین قرارداد رسماً موافقت نماید ممکن است اشکالاتی در امور کشور ایجاد کند. چه موافقت شاه با مخالفین قرارداد رسماً مخالفت شاه با و ثوق الدوله و قرارداد که یک طرف آن انگلیسیها بودند به شمار می رفت و این کار ممکن بود زیانهای سیاسی هم برای سلطنت او داشته باشد. لذا با چند نفر از خاصان خود و برخی از رجال ملی ایران مانند مرحوم مشیرالدوله و مرحوم مستوفی الممالک مخفیانه مشورت می نماید و به آنها می گوید: اگر با قرارداد مخالفت بکنیم به زیان کشور خواهد بود و اگر مخالفت نکنیم علاوه بر اینکه از وظایف قانونی من خارج خواهد بود، صلاح مملکت هم نخواهد بود و اگر سکوت نمایم مردم و ملیون به تصور اینکه موافق قرارداد می باشم به من حمله خواهند کرد. بنابراین به عقیده من بهترین است همانطوری که قبلاً هم تصمیم داشتیم موقتاً به اروپا مسافرت نموده تا در تهران نباشم و مخالفین قرارداد بنا بر مقتضای زمان هر طوری توانستند خودشان با رئیس الوزراء داخل مبارزه شده و آن را برهم بزنند، وقتی که از اروپا مراجعت کردیم قطعاً تکلیف یک سره و موضوع منتفی شده است. به این ترتیب رسماً با هیچ یک مخالفت و موافقتی نکرده‌ایم. حاضرین این فکر و تصمیم شاه را پسندیده، رأی ملوکانه را صواب و به صلاح مملکت تشخیص دادند.<sup>۲</sup>

۲. حسین مکی. زندگی سیاسی سلطان احمدشاه. چاپ سوم. تهران، امیرکبیر، ۶۲. صص ۳۹-۴۰.

احمدشاه همراه با ملتزمان رکابش؛ یعنی شهاب‌الدوله رئیس تشریفات، نصرت‌الدوله وزیر خارجه، نصرت‌السلطنه، محمدحسین میرزا، دکتر لقمان‌الدوله حکیم‌باشی، حکیم‌الدوله طبیب مخصوص و ناظر خرج و گارد مخصوص سلطنتی به ریاست عبدالحسین خان طهماسبی به سوی فرنگ حرکت کرد. وی در استانبول با پدرش محمدعلی میرزا و شاه عثمانی دیدار کرد و ضمن بازدید از فرانسه و سوئیس قسمت مهم سفرش در لندن گذشت. در لندن پذیرایی گرمی از احمد شاه می‌شود ولی برخلاف انتظار؛ وی در چندین سخنرانی رسمی که در حضور مقامات انگلیسی ایراد می‌کند<sup>۳</sup> روی چندان خوشی نسبت به قرارداد نشان نمی‌دهد و این دلسردی انگلیسیها را موجب می‌شود. احمدشاه و کاروان همراه پس از چندین ماه دوری از ایران مدتی قبل از کودتای سوم حوت وارد ایران می‌شوند.

در این زمان مخالفان وثوق‌الدوله کار خود را کرده بودند. وثوق‌الدوله، آن وثوق‌الدوله پیش از سفر شاه نبود. مخالفان آن قدر قدرت داشتند که یک تنه مقابل رئیس‌الوزراء بایستند. اندکی بعد وثوق‌الدوله برکنار شد و مشیرالدوله بر سر کار آمد. ولی بحران

۳. احمدشاه در جواب پادشاه انگلیس نطق مختصری بدین مضمون ایراد می‌کند:

من نماینده رژیم آزاد جدیدی هستم و ایرانیان انتظار دارند به وسیله آن مجدداً داخل مراحل ترقی و تعالی گردند من شهادت می‌دهم که دوستی فی‌مابین ایران و انگلستان ضمیمانه می‌باشد. مخصوصاً چنین موقعی برای حصول تحکیم اتحاد انگلستان و ایران به غایت مناسب و نیکو بود. جدیداً یک حسن تعاون و اخوتی فی‌مابین انگلستان و ایران تولید گردیده و مجمع اتفاق ملل که ضامن ترقی آزادانه تمام ممالک و استقلال و تمامیت آنها می‌باشد حسن مزبور را تقدیس نموده و تریبیک گفته است. ایران ابواب میدان کارزار اقتصادی را گشوده و به واسطه حسن موقعیت جغرافیایی خود سهل‌ترین راه آسیای وسطی می‌باشد. ایران شاهراههای جدیدی فی‌مابین ممالک مجاوره و قلب خطه شرق احداث خواهد نمود و امیدوار است در رساندن نفوذهای متمدنه مغرب به ممالک مزبور بتواند مساعدتی بنماید. ایران مقارن همان حال در ترقی و توسعه روابط اقتصادی فی‌مابین مغرب و مشرق نزدیک مجاهداتی به عمل خواهد آورد. عزیزترین آرزوهای من ترقی مادی و اجتماعی و تعالی موقعیت عمومی ایرانیان می‌باشد. من اطمینان دارم پیادگاره‌های نفیس و عقاید سودمند با خود به ایران برده آنها را مبنای اصلاحات قرار خواهیم داد. ایران جداً تصمیم گرفته است در استقرار نظم و آسایش شرق وسطی معاونت و همراهی نماید. من در پیشرفت روابط تجارتهای ایران حتی المقدور کوشش نموده و توجه مخصوصی نسبت به ترقی و توسعه راههای آهن، و سوسه و حمل و نقل و به وسیله اتومبیل خواهم نمود... امیدوارم دموکراسی غرب روشنایی خودش را به ممالک شرق هم بیاورد و از آزادی آن، ملل ضعیف هم بتوانند برخوردار شوند. حسین مکی، همان، صص ۶۹-۷۰.

در سومین روز اقامت، احمدشاه در جواب لرد کرزن وزیر خارجه انگلیس فقط به این چند جمله پسنده کرد: امیدوارم که اگر قراردادی بین دولتین ایران و انگلستان بسته شود باید با موافقت و تصویب مجلس شورای ملی ایران باشد. همان، صص ۷۳.



احمدشاه در هفده سالگی [۲۳۹۹-ع]

داخلی ایران همچنان بابرجا بود. سقوط پی در پی کابینه‌ها و قیامهای مناطق مختلف نفیس ایران را بریده بود.

اواخر سال ۱۲۹۹ طرح بعدی انگلیس مهبای اجرا بود. این بار علی‌الظاهر شکلی ایرانی داشت. کودتای سوم حوت ۱۲۹۹ و سربرآوردن سیدضیاءالدین طباطبایی با قدرت نظامی قزاقان به فرماندهی رضاخان میرپنج.

#### سفر دوم احمدشاه

سفر اول احمدشاه اگر دلیل موجهی چون دعوت انگلیس از شاه ایران داشت،



سفرهای بعدی وی بی دلیل و کاملاً شخصی بود. توجه عامه‌پسند آن بیماری اعلیحضرت و ادامه معالجه عنوان می‌شد.

این بار احمدشاه بدون همراه به لب سرحد خروجی کشور نرفت. سردار سپه و امیرلشکر محمود آقا شاه را به سلامتی تا مرز خانقین همراهی کردند. بدین ترتیب سردار سپه با خالی شدن کشور از رقیب با نقشه‌های حساب شده وارد پایتخت شد.

سردار سپه که رمز محبوبیت را ایجاد امنیت می‌دانست همزمان با تقویت قشون در اکثر نقاط کشور، سرکوب جنبشهای مسلحانه را در گوشه و کنار کشور شروع کرد.

وی علاوه بر نظامیگری مشی سیاسی را نیز می‌آزمود. دخالت در امور انتخابات مجلس و وارد کردن نمایندگان موافق خود که اکثراً از شهرستانها و ولایات با دخالت ارتش صورت می‌پذیرفت در رأس آن قرار داشت. تطمیع برخی شخصیت‌های سیاسی و تهدید تعدادی دیگر نیز انجام می‌شد. موفقیت‌های سردار سپه در رتق و فتق امور داخلی کشور که در تب هرج و مرج می‌سوخت برای وی محبوبیتی ظاهری ایجاد کرده بود. مردمی که برای نزدیکترین سفرهای برون شهری دچار هراس و ترس بودند حق داشتند با مقایسه اوضاع جدید و قدیم امید خود را در این چهره گمنام ببینند.

۲۱۱

رضاخان با کمک مشاوران خود این مطلب را نیک فهمیده بود. بهترین روش محبوبیت خراب کردن رقیب بود. و در این زمان به خوبی این امر میسر بود. احمد شاه در اروپا حضور داشت و سفری بی‌بهره در شهرهای تفریحی و آبهای گرم فرانسه می‌کرد. ولی از این سو رضاخان سردار سپه گرم سرکوب فتنه‌ها و آرامش بخشیدن به هرج و مرج داخلی بود. مقایسه این دو وضع بهترین حربه تبلیغاتی او بود. آتش بیار معرکه نیز روزنامه‌های طرفدار سردار سپه بودند. فضای تبلیغاتی برضد احمدشاه چنان باز شده بود که این روزنامه‌ها به شدیدترین وجه و بدون رعایت موازین قانونی و اخلاقی مقالات و اشعاری در هجو احمد شاه و حکومت قاجار چاپ می‌کردند، مثلاً در یکی از روزنامه‌ها می‌خوانیم:

سرپرست ما که می‌نوشد سبک رطل گران را      می‌کند پامال شهوت، دسترنج دیگران را  
پیکر عریان دهقان را در ایران یاد نارد      آنکه در پاریس بوسد روی سیمین پیکران را<sup>۲</sup>  
یا ایراج میرزا که خود شاهزاده‌ای قاجاری است در قطعه شعری به نام «احمد لاینصرف»  
چنین می‌سراید:

فکر شاه فطنی باید کرد  
تخت و تاج و همه را ول کرده  
شاه ما گنده و گول و خرف است  
در هتلهای اروپ معتکف است  
نشود منصرف از سیر فرنگ  
این همان احمدلا بنصرف است<sup>۵</sup>

هیاهوها چنان شدت یافته بود که بنا به درخواست تعدادی از عقلا احمدشاه پس از نه ماه به ایران بازگشت (۸ آذر ۱۳۰۱). این بار رضاخان سردار سپه سیاستمدارانه به استقبال وی تا اصفهان شتافت.

### آخرین سفر شاه

احمدشاه بیش از یک سال در داخل کشور دوام نیاورد. مجدداً با عنوان بیماری کشور را به سوی اروپا ترک کرد. این بار اوضاع کاملاً تغییر کرده بود. سردار سپه با قبای ریاست‌الوزاری؛ جلوه دیگر یافته بود. نه روز پس از اعلام ریاست‌الوزاری رضاخان (۲ آبان ۱۳۰۲) احمدشاه تهران را ترک کرد. این بار نیز سردار سپه، احمدشاه را تا سرحد همراهی کرد. احمدشاه ناامیدانه رفته و سردار سپه امیدوارانه بازگشت. تنها چهار ماه از رفتن احمدشاه از کشور نگذشته بود که به تحریک مستقیم رضاخان در ۲۸ اسفند ۱۳۰۲ تظاهرات پر دامنه‌ای برای تغییر رژیم سلطنتی و تبدیل آن به جمهوری شکل گرفت. رضاخان رئیس‌الوزراء و حامی سلطنت مشروطه در نامه خیلی محرمانه و خصوصی به امیرلشکر جنوب پرده از ضمیر خود برمی‌دارد:

... البته از آهنگ جراید مرکز نسبت به تغییر رژیم مملکت و شدت عملی که در این باب دارند مستحضر شده‌اید. برای آنکه دنباله امر به یک انقلاب خونینی منتهی نشود و سلب امنیت از عامه نگردد همه از من تقاضا کرده‌اند که قبول پیشنهادات آنها را کرده و من هم برای اینکه افتخار جدیدی برای عموم نظامیان تحصیل گردد و به آنها قول مساعدت داده و این است که در ضمن این مختصر شما را متوجه می‌سازم که ملتفت امر بوده بلافاصله شروع به اقدام [نمایید] و ضمناً بدانید که موضوع جمهوریت یک امری است ملی و باید با دست مردم و صدای خود ملت صورت گیرد... شما باید بدون آنکه کسی بفهمد از طرف نظامیان مداخله مستقیمی می‌شود خیلی محرمانه اما با کمال جدیت سه طبقه فوق را [تجار، روزنامه‌نگاران و احزاب، علماء] در تمام خطه جنوب اعم از شیراز و اصفهان و بوشهر و نواحی و توابع و

۵. محمدجعفر محبوب. دیوان کامل ایرج میرزا. ج چهارم، تهران، نشر اندیشه، ۱۳۵۶. ص ۱۶۸.

غیره تشویق و حاضر کار نموده به طوری که همه متحدالشکل باشند تا به مجرد آنکه تلگراف رمز من به شما رسید فوری یک صدای هم‌آهنگ از تمام صفحه جنوب بلند شده پس از دادن میتینگ و غیره به وسیله نمایندگان خود به مجلس شورای ملی فشار آورده و به وکلاء همین مجلس اختیار تام بدهند که قانون اساسی را تغییر داده و رژیم مملکت را از مشروطیت به جمهوریت تبدیل نمایند.<sup>۶</sup>

دو روز پس از تظاهرات ۲۸ اسفند لایحه تغییر رژیم به صحن علنی مجلس کشیده شد. تشنجات فراوان مجلس و سیلی خوردن سیدحسن مدرس از دست یکی از نمایندگان طرفدار سردار سپه آشوبی در بیرون به پا کرد که سیل مخالفان جمهوریخواهی، جمهوریخواهان را همراه خود برد و تا مدت‌ها نفس از سینه جمهوریخواهان بیرون نیامد. محمدتقی بهار که خود در آن ایام حضوری مستقیم در این قضایا داشت اعتقاد براین دارد که این کار (یعنی جمهوریخواهی) فکری ناپخته و غیرمقبول بود:

... هرچه بود، در این تاریخ یعنی ایام فترت بین دو مجلس، فکر جمهوری از طرف روشنفکران و نویسندگان جوان بروز کرد و در جراید انتشار یافت. اما باید به حقیقت اعتراف کرد یا نه؟ این جمهوری مانند مشروطه ما بود. چنانکه در صدر این تاریخ ذکر شد، مشروطه‌طلبان طبقه دوم بودند و طبقه اول و سوم با آن مخالف. جمهوری هم همین‌طور بود که یعنی جمعی از طبقه دوم در تهران علم جمهوری را بلند کردند، ولی طبقه اول و سوم مخالف بودند.

تفاوتی که بین جمهوری ما با مشروطه بود این بود که مشروطه بر ضد دولتی بسیار فاسد و درباری تباه و پادشاهی مستبد برپا شد و علمای مملکت که نفوذ بسیار شدیدی در مردم داشتند، از آن فکر حمایت کردند، خاصه بزرگانی مانند سید عبدالله بهبهانی و سید محمد طباطبایی و مرحوم آخوند خراسانی. اما جمهوری بر ضد حکومت مشروطه و قانون اساسی برپا شد. جمهوری خواهان با پادشاه

۶. فرهاد رستمی. بهلویها (خاندان پهلوی به روایت استاد) جلد اول رضاشاه. ج دوم. تهران، موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۷۸. صص ۱۰۳-۱۰۴.  
اردشیرچی همان که رضاخان را به آبرونساید معرفی کرده بود در گرماگرم بحران جمهوری در بیست و یکم فروردین ۱۳۰۱ به نصرالله خلعتیری می‌نویسد:  
... الان که نه سلطنت است و نه جمهوری آثار روزگار بر این می‌باشد که دیکتاتوری نظامی سردار سپه مقبول افتد، قوه و قدرت سلطنت تقریباً معدوم است و جمهوری ایرانی هم معلوم است جمهوری فردی است.  
همان، ص ۱۱۳.

طرف شدند و از او می‌خواستند برخلاف وظیفه قانونیش و به میل ایشان به فلان طرز کار بکنند، و با درباری مخالف بودند که چیزی نبود و دخالتی در کارها نداشت. علاوه بر اینها، موافقت جدی سردار سپه با جمهوری اسباب تردید و بیم و احتیاط مردم شده تصور کردند (درست هم بود) که نتیجه این جمهوری منجر به دیکتاتوری ایشان خواهد شد!<sup>۷</sup>

نهایتاً در باب جمهوریخواهی حرف درست را میرزاده عشقی زد: «جمهوری عجیبی است که دهاتیان «قروه» هوادار آنند، اما عشقی با یک من فکل و کراوات با آن مخالف است!»<sup>۸</sup>

اولین تیر رضاخان به سنگ نشست و با مخالفت‌های علنی مردم و بزرگان دین اولین حمله مستقیم نظامیان به سلطنت قاجار موفقیت‌آمیز نبود. احمدشاه که در اروپا موقعیت را مساعد می‌دید حکم عزل تلگرافی رضاخان را در ۱۵ فروردین ۱۳۰۳ صادر کرد و نسبت به انتصاب مستوفی‌الممالک ابراز تمایل نمود. سردار سپه که پشت خود را از ارتش و طرفداران خارجیش محکم می‌دید نمایشی جدید را آغاز کرد. حالت قهر به خود گرفت و عزم خروج از کشور نمود. ولی طرفداران سردار سپه بسیار سریع جبهه خود را بازسازی کردند. تلگرافهای قلابی طرفداران رضاشاه از ولایات که به دست نظامیان ارسال می‌شد مجلس را پرکرد. ارتش تهدید به حرکت به سوی تهران نمود. مستوفی‌الممالک که جهان‌دیده بود با توجه به امضای فرمان انتصابش در ۱۸ فروردین جرئت ورود به این بازی را نداشت. تنها شخص موجود جهت ریاست‌الوزاری رضاخان بود و بس! احمدشاه مجدداً با ناخرسندی در ۲۱ فروردین فرمان ریاست‌الوزاری رضاخان را تلگراف کرد.

رضاخان نیک می‌دانست که مدتی باید صبر کند. تجربه جمهوریخواهی نشان داد که هنوز رمقی از قاجار مانده بود و ماهی چند می‌تواند مقاومت کند. پس رضاخان سیاستی دیگر پیشه کرد و آن تقویت پایه‌های خود در ایران بود. کارهای نمایشی مجدداً آغاز شد. مهمترین آن تسلیم شدن شیخ خزعل با هماهنگی و همکاری انگلیسیها بود. این پیروزی به حساب رضاخان ریخته شد و کشور غرق در جشن و چراغانی شد و عنوان تبلیغاتی این مسئله الحاق خوزستان به ایران بود. طرح یکپارچه سازی ایران که طرح مهم انگلیس

۷. ملک‌الشعراى بهار، تاریخ مختصر احزاب سیاسى ایران (انقراض قاجار)، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳، ج دوم، صص ۴۰-۴۱. ۸. همان، ص ۱۰۵.



احمدشاه در راه سفر به اروپا با تعدادی از همراهان [۲۳۷۵-۱ع]

بود در حال اجرا بود و این کار به دست رضاخان انجام می‌شد. چند واقعه از قبل تعیین شده یا تصادفی همچون واقعه قتل مازور ایمری موجب آن گردید که نظامیان سیطره بیشتری بر ارکان کشور پیدا کنند و رضاخان هر کسی را که می‌خواست دستگیر و زندانی کند.

در ۲۶ بهمن ۱۳۰۳ اتفاق مهمی پیش آمد که ضرب شستی به احمدشاه بود و آن سلب فرماندهی کل قوا از احمدشاه و تفویض آن به سردار سپه بود. مطلبی که احتیاج به هیچ تحلیلی ندارد. هرچند که عملاً ارتش و قشون دست رضاخان بود ولی مجلس دست‌نشانده رضاخان قانوناً آن را به وی تفویض کرد. چنان اوضاع پیچیده شده بود که طرح اقلیت مجلس برای بازگرداندن احمدشاه نیز در مجلس رأی نیاورد. احمدشاه در ۲۷ شهریور اعلام کرد که به زودی از طریق بمبئی به تهران حرکت خواهد کرد. ولی رضاخان مهلتی به وی نمی‌داد. بحران پشت بحران ایجاد می‌شد که حتی بحران قحطی نان در ۵ مهر ۱۳۰۴ منجر به دستگیری اطرافیان محمدحسن میرزا ولیعهد در تهران شد. بایز فصل تعیین کننده‌ای در آینده قاجار بود. تظاهرات وسیع در ولایات و تهران و سیل

تلگرافها با هماهنگی نظامیان جوی ضد قاچاری ایجاد کرده بود. ۹ آبان مجلس مؤسسان سلسله قاچار را خلع کرد و سلطنت به رضاشاه تفویض شد. احمدشاه در پاریس ضمن صدور اعلامیه‌ای خلع خود را غیرقانونی اعلام کرد، ولی وی از کدام قانون صحبت می‌کرد. قانونی که مجری آن رضاشاه بود. اسنادی که در این شماره و شماره آتی فصلنامه ارائه می‌شود مربوط به دوران سفرهای احمدشاه در اروپاست؛ دورانی که احمدشاه تلگرافی سلطنت می‌کرد.



[۱]

## اداره تلگرافی دولت علیه ایران

از: کرمانشاه به: طهران نمره تلگراف ۱۱۴ تاریخ وصول ۲۹ ثور سنه ۱۲۹۹

مقام منیع ریاست الوزراء عظام دامت شوکتہ، امروز کلنل لاکین فرمانده قشونی و خط ارتباط از سرحد تا قزوین و ماژور و سر قنسول انگلیس و ماژور ادموند به دارالحکومه آمده راجع به تشریف فرمایی بندگان اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی ارواحنافداه مذاکراتی داشتند و خلاصه این است که:

۱. قونسول و کلنل یک روز قبل از تشریف فرمایی اعلیحضرت به قوره تو...<sup>۹</sup> رفت و می خواهند در این باره معرفی بشوند و همچو فهماندند که برای چادر زدن خارج شهر جزو مستقبلین نخواهند بود. قدری جوابی ندادم و گفتم به طهران راپورت می دهم.

۲. اظهار داشتند که حاضر هستیم کل رفت و آمد قشونی و اتومبیل و غیره را در مدت عبور اعلیحضرت در راه موقوف داریم. اظهار امتنان نموده گفتم همینطور اقدام نمایند.

۳. خیال داشتند یک دسته گنارد برای اعلیحضرت حاضر نمایند و در راه پست بگذارند، قدری مفتضی ندیدم و بالاخره قرار بر این شد که در راه هر کجا اردو دارند قراول اردو را اضافه نموده در موقع عبور اعلیحضرت سلام بدهند.

۴. قرار شد در هر کجا نواقص بابت چادر باشد کمک نمایند.

۵. احتمال می رود کلنل و قونسول تا همدان همراه و ملتزم رکاب اعلیحضرت باشد این مسائل نظریات خودشان است مگر تعلیمات دیگری از بغداد پرسد.

پروگرامی هم که حسب امر بنده در نظر داشتم به آنها ارائه دادم اگر نظر...<sup>۱۰</sup> کلنل و قونسول به قوره تو و اقدام در رکاب اعلیحضرت هست مطلع سازید. ۲۷ ثور

نمره ۲۰۱۵

اکبر

[۲۹۵۲۴ تا ۲۹۵۲۶ - ن]

## [۲]

## اداره تلگرافی دولت علیه ایران

از: بوشهر به: طهران  
 راپورت نمرة ۲۹ ثور- الان که مقارن هشت بعد از ظهر است موکب مقدس اعلیحضرت شاهنشاهی ارواحنفاذاه به جهاز لارنش مراجعت فرمودند که امشب به طرف محمره و بصره تشریف فرما شوند. از عمارت امیریه تا اسکله گمرکخانه و سایر امکنه شهر و ادارات از چند شب قبل مراسم جشن و چراغان و آتشبازی به عمل آمده بود. در موقع تشریف فرمایی با شش لنج، بیست و سه تیر توپ از شهر شلیک شد و اهالی با فریادهای شادی و «زنده باد» تا دم اسکله ذات اقدس شاهانه را مشایعت نمودند.

حسن  
 [۴-۲۷۱۰/۲]

## [۳]

## INDO - EUROPEAN TELEGRAPH DEPARTMENT

۱۹۲۰/۵/۲۱

از: محمره

مقام منبع ریاست وزراء مدظله، طهران  
 موکب مبارک اعلیحضرت همایونی ارواحنفاذاه پنجشنبه عصر تشریف فرمای بصره، پس از صرف شام به سلامتی و اقبال عزیمت بغداد فرمودند. در حق فدوی بذل کمال عنایت و عطف شد؛ لقب سردار اقدس و نشان قدس به این چاکر و لقب سردار ارفع به فدوی زاده (جاسب) مرحمت فرمودند. سایر غلامزاده‌ها را هم به لقب سرداری مفتخر داشتند. باعث افتخار و مباهات گردیده. از خداوند متعال همیشه توفیق خدمتگزاری و جانفشانی مسئلت دارم.

فدوی، خزعل  
 [۱۷ و ۱۶-۲۷۱۰/۲]



|| Kel 835 21/5/20

INDO-NEDELANDS TELEGRAPH DEPARTMENT

852 2/20/8

Mohammediat

6217 85 di 311

neghama menie nyadete usjere...  
 maktube maburika alla...  
 arwahana...  
 Barmaga...  
 we...  
 in...  
 Jacqut...  
 re...  
 handare...  
 p... (50)

219

INDO-NEDELANDS TELEGRAPH DEPARTMENT

2/Kel 19

Shaban...  
 m...  
 m...  
 p...  
 Shaban...  
 m...  
 m...  
 p...

## [۱۴]

ریاست وزراء

نمره کتاب ۱۰۷۴۷

تاریخ ارسالی ۴ دلو ۱۲۹۹

وزارت جلیله مالیه،

حقوق معوقه محمدعلی شاه را به هر وسیله که بتوانید جهت اسلامبول بگیریید و اطلاع بدهید تا به عرض حضور ملوکانه ارواحنا فداه برسانیم. [۳۵۸۳-ن]

## [۱۵]

دیویزیون قزاق

اعلیحضرت قویشوکت اقدس همایون شاهنشاهی

به مفتاح رئیس کابینه وزارت جنگ کشف شود؛

۲۲۰

مقام منبع ریاست وزراء عظام دامت شوکت،

از مدلول تلگراف حضرت اشرف عالی راجع به جواهرات که مرقوم فرموده بودید اعلیحضرت در کرمانشاه به بنده تسلیم خواهند کرد. در همدان استحضار حاصل کرده به این خیال که خودشان با وجود مذاکرات با حضرت اشرف لطف خواهند کرد در آنجا اظهار نکرده و در ورود به کرمانشاه و یک شب توقف هم چون اظهار نفروند ناچار خودم خدمتشان شرفیاب شده مدلول تلگراف واصله را یادآوری کردم. فرمودند: «در این باب اشتباه شده زیرا من نگفته بودم که عین جواهرات نزد من است». اینک، با وجود یادآوری، هنوز موفق به گرفتن نوشته هم نشده‌ام و فردا را به طرف سرحد حرکت خواهیم کرد. اگر مطلب به همین اندازه کافی است که مذاکره شده بسیار خوب والا هر تصمیمی را اتخاذ می‌فرمایید فوری به قصر شیرین تلگراف فرمایید تا از آن قرار اقدام شود ولی زودتر دستور فرمایید که مجال مذاکره ثانوی از دست نرود.

وزیر جنگ رضا

[در حاشیه: نمره ۱۷۴۱، یازدهم دلو جواب داده شود: که تلگراف شریف رسید و مطلع شدم. بنا بود نوشته را مرحمت فرمایند. حالا هم حضرت عالی در قصر یادآور خاطر

مبارک اعلیحضرت همایونی خواهید شد و ان شاء الله نوشته را مرحمت خواهند نمود.  
[۵۵۲۱۷-ن]

## [۱۶]

## ریاست وزراء

نمره ۱۰۵

۸ مارس ۱۹۲۲

۱۶ حوت ۱۳۰۰

دستخط تلگرافی اعلیحضرت اقدس همایونی زیارت شد. از روز حرکت اعلیحضرت تا یک کرور در مرکز تهیه و به وزارت جنگ داده شده است، در ولایات هم آنچه مقدور بود تأدیه شد. حالا هم چاکر منتظر است که یک میلیون دلار، که عملش ختم شده است، این روزها برسد. نهصد هزار تومان آن به وزارت جنگ داده خواهد شد. پس از وصول این پول خاطر وزارت جنگ تا حدی آسوده خواهد شد. چاکر آنچه در قوه دارد می‌کوشد ولی عمل امتیاز نفت به واسطه شرکت استاندارد با کمپانی نفت جنوب گیری پیدا کرده، به این معنی که برخلاف موادی است که از مجلس گذشته؛ و اگر به مجلس پیشنهاد شود رد می‌شود و عمده ملاحظه از طرف روسیه است که ضدیت خواهند کرد. مشغول اقدامات و مذاکرات در اینجا و آمریکا هستم که قراری کمپانیها می‌دهند طوری باشد که اسم کمپانی جنوب در امتیاز برده نشود که بتوان به مجلس پیشنهاد کرد. عجبالتاً همین قدر موفقیت حاصل شده است که این یک میلیون دلار را موکول به تصویب امتیاز نمایند و یک...<sup>۱۱</sup> باشد که در دسامبر از پول نفت پرداخته شود تا فرجه برای مذاکرات راجع به امتیاز حاصل و شاید با اقدامات و مذاکرات توافق با این دو کمپانی طوری حاصل شود که محذورات سیاسی از طرف روسیه نداشته و بتوان امتیاز را از مجلس گذرانید. اگرچه زاید است، ولی مجبورم عرض کنم که از نظارت خود دقیقه‌ای غفلت ندارم. بانک شاهنشاهی می‌گوید به او حکم شده است که مساعدت مالی نکنند و تصور می‌کنم برای این باشد که امتیاز زودتر بگذرد. هرگاه برای

اعلیحضرت اقدس ممکن باشد اقدام مؤثری بفرمایند که قراری که کمپانی جنوب با استاندارد می‌دهد همین قدر طوری باشد که اسم کمپانی جنوب برده نشود؛ باعث تشکر مخصوص چاکر و همه خواهد شد و اشکال عمده رفع می‌شود. خود چاکر هم جداً مشغول است.

مشیرالدوله

۱۶ حوت ۱۳۰۰

[۵۵۲۴۹ تا ۵۵۲۴۷-ن]

[۷]

۹ مارس ۱۹۲۲

هو

جناب اشرف مشیرالدوله،

اولاً مسئله جواهرات سلطنتی چه چیز است؟ فوراً کاملاً مرا مطلع نمایید. ثانیاً راجع به مواجب محمدعلی شاه حقیقتاً در کمال سختی زندگانی می‌فرمایند. البته واجب است اقلاً شش ماه از مواجب ایشان را بپردازند. یقین دارم وزیر جنگ<sup>۱۲</sup> هم در رساندن مواجب محمدعلی شاه همراهی خواهند کرد.

[۵۵۲۵۰-ن]

۲۲۲

پژوهشگاه علوم انسانی [۸] مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

ریاست وزراء

نمره ۱۰۷

به تاریخ ۱۲ برج مارس ۱۹۲۲

۲۱ حوت ۱۳۰۰

در باب جواهرات از مجلس سؤالی از چاکر نمودند، جواب مقتضی داده شد. قانع نشدند. بعد، باز سؤال مفصلی با جزئیات راجع به جواهرات و ذخایر سلطنتی نمودند و

ضمناً اظهار داشتند که جواهرات و ذخایر به واسطه بدی جا در شرف ضایع شدن است. چاکر جواب داد که کمیسیونی معین خواهد شد که معاینه و مقایسه کرده به جای بهتری نقل شوند. در این باب وکلاء خیلی اصرار دارند و در افواه هم مذاکره بسیاری است. مراتب توسط حضرت اقدس والا شاهزاده اعتضاد السلطنه دامت عظمته به عرض رسیده است. برای اسکات وکلا و افکار لازم است اقدام معجلی بشود. منتظر تعلیمات اعلیحضرت اقدس همایونی است. چاکر تصور می کند که کمیسیونی مرکب از نمایندگان دربار و وزارتخانه ها باید هرچه زودتر به تسویه این مسئله اقدام نمایند. راجع به حقوق اعلیحضرت محمدعلی شاه اطاعت می شود و بزودی فرستاده خواهد شد.

[در حاشیه:] به عنوان اعلیحضرت همایونی

[۵۵۲۵۱-ن]

[۱۹]

ریاست وزراء

نمره ۱۱۲ به تاریخ ۲۵ حوت ۱۳۰۰، ۱۶ مارس ۱۹۲۲

به اعلیحضرت عریضه تلگرافی شود؛

در باب رسیدگی به جواهرات و تغییر مکان برای جلوگیری از فاسد شدن، مجلس اصرار دارد، وزیر دربار هم وارد شده اند. چاکر صلاح می داند تعلیماتی به معزی الیه مرحمت شود در این باب در اقدامات مقتضیه با دولت شرکت نمایند.

مشیرالدوله

[۵۵۲۵۲-ن]

[۱۰]

می فرمایند: اولاً راجع به کمیسیون درست معلوم نشد که کمیسیون برای چه کار تشکیل شود؛ مفصلاً توضیح بدهید. ثانیاً محمدعلی شاه صاحب جمع را برای مواجیشان پیش من فرستاده اند و حقیقتاً از شدت بی پولی تا چه اندازه رقت انگیز است. امیدوارم فوری اقبالاً ششماهه از مواجیشان را بفرستید. ثالثاً چون مدتها بود که به



احمدشاه در استانبول [۲۴۰۱-ع۱]

ممتازالسلطنه مرحمتی نشده بود چنین صلاح دیده شد که به او لقب پرنس داده شود و چون علاءالسلطنه و مفخمالدوله هم این لقب را دارند لهذا به او هم داده شود؛ و یقین داریم که شما هم تصویب می‌کنید. *پژوهش‌های علمی و مطالعات فرهنگی*

معین‌الملک

[در حاشیه:]

جواب: کمیسیون، چنانکه عرض شده است، برای رسیدگی به جواهرات و ذخایر سلطنتی و مقایسه آن با صورتها و نقل آنها از اطاقی به اطاقی در همان محوطه اندرون است. حقوق اعلیحضرت محمدعلی شاه به زودی تقدیم می‌شود. در باب لقب پرنس ممتازالسلطنه رأی ملوکانه عین صواب، و مطاع است.

[۵۵۲۵۴-ن]

## [۱۱۱]

از خدماتی که به من و مملکت کرده و می‌کنید فوق‌العاده خوشوقت و راضی هستم و از خداوند مسئلت دارم که خدمتگزاری شما را نسبت به مملکت تأیید فرماید. در باب جواهرات از تلگراف شما درست نفهمیدم که محل آنها را به کجا می‌خواهند تغییر بدهند. پس از آنکه جواب این تلگراف رسید آن وقت عقیده خودم را اظهار خواهم کرد. امروز به سلامتی وارد پاریس شدم.

[شاه]

[در حاشیه:]

نمره ۱۱۵، ۱۲/۲۹، ۲۰ مارس ۱۹۲۲

از مراسم اعلیحضرت اقدس همایونی نهایت تشکر حاصل. خداوند ظل همایونی را مستدام بدارد. جواهرات را چون می‌گویند در جای بدی است و خراب می‌شوند می‌خواهند از آن اطاق به اطاق دیگری در خود اندرون نقل شود.

[ن-۵۵۲۵۵]

۲۲۵

## [۱۱۲]

ریاست وزراء

نمره ۱۱۹

به تاریخ ۳ برج حمل ۱۳۰۱

۲۳ مارس ۱۹۲۲

به اعلیحضرت اقدس همایونی رمز شود؛

چون وضع سفارت اسلامبول خیلی بد شده بود پرنس مفخم‌الدوله مأمور آنجا شدند، و چون لازم است که ایشان هرچه زودتر وارد اسلامبول شوند مستدعی است امر نمایند نامه ایشان را از پاریس تهیه کرده به فوریت برای ایشان بفرستند. تأخیر بسیار بد است.

چاکر، حسن

[ن-۵۵۲۴۴]

## [۱۳]

ریاست وزراء

نمره ۱۲۰

به تاریخ ۳ برج حمل ۱۳۰۱

۲۳ مارس ۱۹۲۲

به خاک پای اعلیحضرت همایونی رمز شود؛

در این موقع که استقلال مصر شناخته شد و ملک مصر اعلان استقلال داده است، دولت لازم می‌داند به عرض برساند که تلگرافی به ملک مصر از طرف اعلیحضرت اقدس همایونی مخایره و تبریک بفرماید. از اینجا هم به مشیرحضور تلگراف شد که به وزارت خارجه مصر مراسله نوشته استقلال مصر را از طرف دولت ایران تبریک بگوید. شناسایی مصر از طرف دولت انگلیس و فرانسه و ایتالیا و سوئد به عمل آمده؛ به ملاحظه اسلامیت لازم است از طرف ایران هم عجله شود. به همین جهت هم وکالت سیاسی ایران مبدل به سفارت شد.

چاکر، حسن

[ن - ۵۵۲۵۷]

۲۲۶

## [۱۴]

وزارت امور خارجه

اداره رمز

مورخه ۳ حمل ۱۳۰۱

از: سفارت رم

حضرت اشرف آقای مشیرالدوله رئیس الوزراء دامت شوکتة العالی،

تبریک صمیمانه عرض، مستدعی است برای احتراز از سوء تفاهم در آتیه امر فرمایید انتخاب مأمورین عثمانی با مشورت بنده، به سفارت مقرر کافی...<sup>۱۳</sup> مرحمت. سفارت بالکان در صورتی که وزیر مختار مقیم بنا شد به سفارت اسلامبول محول خواهد شد. چون می‌نویسد سینکی را باب عالی رد کرده مستدعی است نصرالدوله را



به سمت مستشاری زودتر روانه، نامه را به توسط او ارسال برای اصلاح اوضاع سفارت و اعاده شرف و شئون دولت علیه ایران، خاصه با ترتیبات امروزه عثمانی، اصلاح امور بدون رعایت این ترتیب محال است. همین که اگرمان صادر نامه حاضر شد می توانم حرکت بنمایم؛ ولی برای پرداخت قروض فوری و مخارج سفارت کبری وجهی لازم است؛ حواله فرمایید.

نمره ۱۲۱

مفخم الدوله  
[۵۵۲۴۵-ن]

[۱۵]

ریاست وزراء

سواد...

مورخه ۳۰ مارس

نمره...

می فرمایند چون مدتی بود ولیعهد<sup>۱۴</sup> را ندیده بودم سه ماهی او را پیش خودم نگاهداشته و حالیه به او امر کردم که هرچه زودتر به طرف ایران حرکت کند. لازم است مسبوق باشید. عین تلگراف را به وزیر جنگ هم نشان بدهید.

معین الملک

[در حاشیه:]

جواب نمره ۱۲۹

۱۴ حمل ۱۳۰۱

در باب اعزام والاحضرت اقدس ولیعهد به ایران البته هر طور تصمیم فرمایید عین صلاح است. به وزیر جنگ هم اطلاع داده شد.

[۵۵۲۶۱-ن]

[۱۶]

ریاست وزراء

سواد...

مورخه از پاریس ۳۰ مارس

نمره...

می فرمایند راجع به مواجب محمدعلی شاه مکرراً تلگراف کرده‌ام؛ خودتان ملاحظه کنید. دو سه ماه مواجب ایشان نرسیده. با داشتن جمعیت زیاد و نداشتن هیچ قسم ذخیره، حال ایشان به چه منوال است؟ اگرچه می دانم حالیه دولت در مضیقه است؛ مع هذا این مسئله هم حیثیت و ناموس دولت است و منتظرم که البته اقساط شش ماهه از مواجب ایشان را فوراً برسانید که کارشان بیش از این به سختی نکشد.

معین الملک

[در حاشیه:]

چون اینجا پولی موجود نبود به وکیل سیاسی مصر تلگراف شد. فوراً پنجهزار لیره که باید از خلیل خیاط بگیرد و برات اسلامبول و همه را اطلاع دهد البته خاطر مبارک همایونی آسوده باشد.

۲۲۸

[۵۵۲۶۲-ن]

[۱۷]

شوریه شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

استخراج رمز پاریس

حضرت اشرف آقای رئیس الوزراء، می فرمایند از قراری که در اسلامبول به عرض اعلیحضرت محمدعلی شاه رسانیده‌اند مجلس از مواجب ایشان کسر کرده است. یقین دارم که این مسئله صحت ندارد. مع هذا لازم است به من اطلاع بدهید که تفصیل چه بوده است.

معین الملک

[در حاشیه:]

نمره ۱۳۵

۱۹ حمل ۱۳۰۱

۹ آوریل ۱۹۲۲

جواب داده شود:

بعضی در مجلس راجع به کسری یا قطع حقوق اعلیحضرت محمدعلی شاه مذاکراتی کرده‌اند ولی دفاع به عمل آمد و با اکثریت همان حقوق سابق تصویب شد. مأمور ایران در مصر اطلاع داده است که پنجهزار لیره به اسلامبول برات خواهد کرد.

[۵۵۲۶۳-ن]

[۱۸]

ریاست وزراء

یادداشت، ۲ برج ثور ۱۳۰۱

به اعلیحضرت همایونی رمز شود؛

راجع به جواهرات باز سؤالی در مجلس شد؛ این دفعه سوم بود. چاکر باز جوابی دادم؛ ولی این جوابها اذیت کننده نیست، و در مطبوعات هم مقالاتی نوشته می‌شود که مضر است. در دولتخواهی عرض می‌کنند لازم است دستوری از وزیردربار مرحمت فرمایید با کمیسیون مشغول رسیدگی شود. و ضمناً جای جواهرات را تغییر بدهند، یعنی در همان اندرون از اطاق به اطاقی ببرند که اینقدر گفته نشود جواهراتی هم که هست در شرف خراب شدن است. چاکر تصور نمی‌کنم تا رسیدگی به عمل نیاید این مذاکرات قطع شود و این مذاکرات هم برای وضعیت امر آنها بسیار مضر است لازم بود، عرض شد. چاکر، حسن

[۵۵۲۵۶-ن]

[۱۹]

ریاست وزراء

رمز شود.

اطلاعات موثقه از بدی و خرابی محل جواهرات و احتمال فساد مروارید و غیره چاکر را ملتزم ساخت که محل را با استحضار و الاحضرت ولایتعهد معاینه کند. بعد از

معاینه لزوم تغییر محل را احساس کرد و اطاقهای فوقانی خزانہ معروف به عمارت خوابگاه را برای این کار مناسب دانسته و به وزارت فواید عامه دستور داده شد که تعمیرات و استحکامات لازمه را در آنجا فراهم ساخته صندوق مروارید و جواهرات به آنجا انتقال یابد. این است که مراتب را به عرض رسانده اجرای این تصمیم را استجازه می‌کند و موقع را برای عرض فدویت مغتنم می‌شمارد.

چاکر، رضا  
[ن-۵۴۸۸۰]

[۲۰]

استخراج رمز از پاریس، ۲۷ آوریل

تلگراف رمز جوابیه شما رسید. از شرح جامعی که نوشته بودید اطلاع حاصل و بحمدالله رفع نگرانی شد. از صمیم قلب به شما تبریک و تحسین می‌گویم که با کمال متانت و مقاومتی که در حل مشکلات نمودید حیثیت دولت را حفظ کرده‌اید. قدر خدمات شما کاملاً منظور است و از خداوند موفقیت شما را در خدمت به مملکت می‌خواهیم. منتظریم که پیوسته در حفظ نظم سعی بلیغ نموده مرتباً مرا از وقایع مسبوق نمایید. ولیعهد هم که دو روز است حرکت کرده. برای اطلاع شما اظهار شد.

شاه

[ن-۵۵۲۲۱]

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
ریاست وزراء  
پرتال جامع علوم انسانی

نمره ۱۵۰

۳۰ آوریل ۲۲

برج ۱۰ تور ۱۳۰۱

به اعلیحضرت همایونی رمز شود:

به واسطه کنفرانس ژن و رفتن پرنس مفخم الدوله به اسلامبول به...<sup>۱۵</sup> الممالک تأکید



محمدحسین میرزا فیروز، اسدالله میرزا شمس ملک آرا، حبیبقلی نصرت‌السطح، زور ششم، احمدشاه قاجار [۲۳۹۵-ع]،  
 سفر اول به اروپا همراه با ولیمہد انگلیس در لندن ۱۹۱۹ء

شد زودتر به رم برود. مستدعی است مقرر فرمایند نامه وزارت مختاری او را زودتر به رم بفرستند که در مقامات لازمه بتواند رسمیت داشته تحصیل اطلاعات نماید.

حسن

[۵۵۲۴۶-ن]

[۲۲]

### ریاست وزراء

جناب اشرف مشیرالدوله،

مدتی است از شما خبر ندارم. تلگراف اخیر مرا هم بدون جواب گذاشته‌اید. بعد از آن تلگراف انتظار داشتم با کمال جدیت مشغول کار بشوید. از قرار تلگرافی که دیروز رسید گویا باز در تردید هستید و گفت‌وگوی بحران در میان است. مضرات آن محتاج به بیان نیست. منتظرم فوراً مرا از کیفیت حال مطلع فرمایید؛ و چون هرچه از اهمیت موقع گفت‌وگو شود زائد است، امیدوارم با وظیفه [ای] که در خدمت به وطن دارید بدون تردید مداومت در خدمت نمایید.

شاه

[۵۵۲۳۰-ن]

[۲۳]

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
ریاست وزراء

به اعلیحضرت همایونی رمز شود؛  
تال جامع علوم انسانی

پس از وصول دستخط مبارک و اهتماماتی که غلام برای منصرف کردن آقای مشیرالدوله از استعفا به عمل آورد و اظهار اعتماد مجلس شب دوشنبه گذشته چاکر به منزل ایشان رفته متفقاً به هیئت وزراء آمدیم و قرار شد کابینه را تشکیل و مشغول کار شوند. روز دوشنبه تغییر عقیده داده به عنوان خستگی و کسالت روح مجدداً کناره‌جویی نمودند. باز هم غلام با عده [عده‌ای] از وکلاء به منزل ایشان رفته هر قدر اصرار کردیم جداً امتناع نموده، در مجلس هم همین‌طور اظهار داشتند. علت واقعی استعفای مجدد

ایشان بر غلام غیر معلوم است. مذاکرات مجلس هم در تعیین رئیس الوزرای جدید تاکنون به نتیجه...<sup>۱۶</sup> نشده. محض اطلاع خاطر مبارک به عرض رسانیده خاتمه دادن به بحران منوط به امر و اراده ملوکانه است. [۵۵۲۲۹-ن]

## [۲۴]

دستخط تلگرافی رمز زیارت و از مرحوم مبدوله کمال افتخار و سپاسگزاری حاصل. جواب دستخط اولی را عرض کرده، و چنانکه به عرض رسانیده، قبول این خدمت غیر مقدور است والا در انجام فرمایش ملوکانه، آن هم در این موقع غیاب اعلیحضرت همایونی، به هیچ وجه خودداری نمی شد. مستدعی است استعفای چاکر را زودتر قبول و تصمیم مبارک را راجع به ریاست وزراء اعلام فرمایند که به توجهات ملوکانه بحران زودتر خاتمه یابد. مشیرالدوله

۱۱ جوزاء ۱۳۰۱ مخابره شد.

[۵۵۱۸۷-ن]

## [۲۵]

استخراج رمز پاریس، ۶ مه ۱۹۲۲

قیمت مخابرات ایران فوق العاده در اینجا گران است و اگر بخواهیم توسط سفارت بفرستیم چون باید به لندن و از آنجا به وزارت خارجه فرستاده شود چند روز باعث تأخیر مخابرات می شود و اگر مستقیماً از پاریس بفرستیم در هر هفته مبلغی قیمت آن است. بنابراین، می فرمایند خواهشمندم با کمپانی قرار بدهید تلگرافهای به امضای اعلیحضرت و به امضای بنده را مجاناً قبول و مخابره نمایند که اسباب سلامت و حسن جریان مخابرات خواهد بود. در باب شهریه خود اینقدر عرض می کنم که این مدد معاش در مقابل مخارج و تکلفات فوق العاده خدمت بنده از طرف دولت مرحمت می شد قطع آن قطع رشته زندگانی بنده در ایران و در خارجه است. از عدل و رأفت حضرت اشرف انتظار توجه مخصوص دارم. نامه های اسلامبول و رم را انجام داده ام. معین الملک

[در حاشیه:] به عرض می‌رسد.

به وزارت پست و تلگراف شرح لازم نوشته شد. تلگرافات اعلیحضرت همایونی را قبول نمایند.

۴/۴

[۳/۵۶۰-۹۴]

[۲۶]

ریاست وزراء

وزارت جلیله پست و تلگراف:

حسب الامر تلگراف بندگان اعلیحضرت اقدس همایونی ارواحنا فداه قدغن فرمایید با اداره تلگرافخانه مذاکره نموده و قراری بدهند که تلگرافاتی که به امضاء بندگان اعلیحضرت همایونی از فرنگستان مخابره می‌شود به حساب دولت قبول شود. نتیجه را هم اشعار فرمایید که به عرض مبارک برسد.

۲۳۴

[۳/۵۶۰-۹۳]

[۲۷]

وزارت پست و تلگراف

مورخه: ۲۱ برج سرطان ایت نیل ۱۳۰۱

۲۳ شهری ذیقعد ۱۳۴۰

نمره: ۱۱۷۸

مقام منیع ریاست محترم وزراء عظام دامت شوکته،

در جواب مرقومه تحت نمره ۳۴۳۰ درخصوص تلگرافاتی که به امضای بندگان اعلیحضرت اقدس همایونی ارواحنا فداه از فرنگستان مخابره می‌شود، استحضاراً عرضه می‌دارد که شرح لازم در این باب به ریاست اداره تلگراف کمپانی هند و اروپا نوشته شده بود. جواباً اظهار داشته که مراتب را به لندن مراجعه نموده و از لندن جواب رسیده که متأسفانه این ترتیب را نمی‌توانند اجراء بدارند.

[۳/۵۶۰-۹۲]



[۲۸]

استخراج رمز پاریس، ۱۲ ژوئیه

قیمت مخابرات ایران فوق‌العاده در اروپا گران است و فرستادن آنها به توسط سفارتها اسباب تأخیر مخابرات می‌شود. با کمپانی قرار بدهید تلگرافهایی را که به امضای من می‌رسد یا معین‌الملک امضا و ابلاغ می‌کند مجاناً قبول و مخابره نمایند که باعث سهولت و حسن جریان مخابرات باشد. من خودم می‌روم به سیتیلایت [؟] سویس؛ معین‌الملک را مخصوصاً برای وصول و ایفاد مخابرات در پاریس می‌گذارم؛ مخابرات را به توسط او به پاریس بفرستید. آدرس همیشه هتل موریس در پاریس خواهد بود.

شاه

[در حاشیه:]

جواب: دستخط مبارک زیارت شد. با اینکه تصور می‌رود شاید کمپانی هند و اروپا به این ترتیب راضی نشود مع‌هذا اقدام شد به طوری که مقرر فرمودند با کمپانی مذاکره نمایند. در باب ترتیب مخابرات نیز حسب‌المقرر رفتار خواهد نمود.

۲۳۵

[۵۵۱۹۶-ن]

[۲۹]

سفارت اعلیحضرت شاهنشاه ایران

واشنگتن

۱۲ سرطان ۱۳۰۱، ۳ ژوئیه ۱۹۲۲

قربانت شوم، چندی قبل راجع به مسافرت اعلیحضرت همایونی به آمریکا و فوایدی که از آن برخاسته خواهد شد شرحی حضور آقای مشیرالدوله عرض کرده و به جوابی نایل نگشته‌ام. از آنجا که حضرت اشرف به این‌گونه مسائل توجه عمیقی می‌فرمایند، باز معروضات خود را تکرار می‌کنم. به نظر بنده در صورتی که ذات ملوکانه تا چندی دیگر در اروپا توقف خواهند فرمود، اگر اولیاء دولت نیز تصویب فرمایند مناسب و بلکه مفید است هنگام پاییز به این طرف سفری بفرمایند. اگرچه رسومات اهل این مملکت با اروپا تفاوت دارد اما مسلم است که از احتراماتی که در خور مقام پادشاهی

و معمول آمریکا است مضایقه ننموده پذیراییهای مقتضیه خواهد شد و جناب رئیس جمهوری به افتخار مسافر عالی مقام که از خاک آمریکا می‌کند مهمانی خواهد داد. قطع نظر از اینکه مراسم را مطمح توجه قرار دهیم، این مسافرت فوایدی خواهد داشت که در روابط آمریکا و ایران تأثیر خواهد نمود و میانه ملتین را گرم‌تر خواهد ساخت.

برای اینکه در نظر دیگران هم خوشایند بوده مورد سوءظن نشود به عقیده بنده بهتر این است که اعلیحضرت به این عنوان که دو مرتبه اروپا را دیده و مایل هستند از راه مغرب به ایران برگشته ممالک تازه دیگری ببینند این سفر خیر را عزیمت فرمایند. به این ترتیب که به آمریکا آمده عبور کنند و قسمت غربی آنازونی و مراکز عمده را تماشا کرده از آنجا، از راه اقیانوس کبیر، به ژاپن و از آنجا اگر مقتضی شد به چین و سیام رفته با رؤسای آن ممالک هم ملاقات و روابط ایران را محکم بفرمایند. به علاوه فوایدی که از دوستی آمریکا در این مسافرت حاصل می‌شود، با دول آسیایی هم طرح دوستی تازه ریخته خواهد شد که یقیناً خالی از ثمر نخواهد بود.

از طرف دیگر، این مسافرت ولو که ظاهراً طور دیگر جلوه داده شود تا سایرین را به خیال نیندازد؛ لیکن در باطن باید بلااراده یا فقط برای تماشا و گردش محض نبوده بلکه مبنی بر یک توجه قلبی و عزم شاهانه باشد که احساسات ملت ایران را در تقدیر و جلب مساعدت تحقیقی آمریکا آشکار بسازد. بدیهی است که ابزار این احساسات جنبه سیاسی نداشته و مؤید افکار آمریکائیه در کمک اقتصادی به ملت قدیم ایران واقع خواهد شد.

مستدعی است که تا موقع فوت نشده عقیده و تصمیم عالی را در این باب به بنده اشعار و اگر توضیحاتی لازم است تلگرافاً بخواهید تا به عرض برسانم. همان وقت که شرحی خدمت آقای مشیرالدوله عرض کردم عریضه هم حاکی این مقصود به خاک پای مبارک شاهانه تقدیم داشتم. دیگر منوط به این است که حضرت اشرف چه تصمیمی اتخاذ فرمایید.

[امضاء] علانی<sup>۱۷</sup>

[۵۵۲۱۰ و ۵۵۲۰۹-ن]

۱۷. حسین علاء سفیر ایران در آمریکا از ۱۳۰۱ تا ۱۳۰۳.

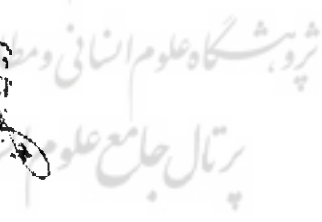


کمر بستند و چنانچه آنچه به دست گردانده شد به دست  
 به اسیران و در بدو از آن روزها در دستهای ایشان  
 شریکانه در هر کجای که میبودند با یکدیگر  
 از هر جا که میگذشتند با یکدیگر  
 شورش و آشوب کردند . به همین جهت در هر کجای که  
 بودند با یکدیگر  
 و به همین جهت در هر کجای که  
 بودند با یکدیگر  
 و به همین جهت در هر کجای که  
 بودند با یکدیگر



از هر کجای که میبودند با یکدیگر  
 و به همین جهت در هر کجای که  
 بودند با یکدیگر  
 و به همین جهت در هر کجای که  
 بودند با یکدیگر  
 و به همین جهت در هر کجای که  
 بودند با یکدیگر

تاریخ ایران را از هر کجای که  
 بودند با یکدیگر  
 و به همین جهت در هر کجای که  
 بودند با یکدیگر  
 و به همین جهت در هر کجای که  
 بودند با یکدیگر



## [۳۰]

به علانی رمز شود!

در ضمن یکی از مراسلات صلاح دانسته‌اید اعلیحضرت به آمریکا مسافرت فرمایند. نقطه نظر جناب عالی را در صورتی که...<sup>۱۸</sup> بود تصدیق می‌کردیم ولی فعلاً وسایل آن مهیا نیست و تنگدستی دولت اجازه نمی‌دهد. به علاوه، چون مسافرت اعلیحضرت طولانی شده بعضی ملاحظات لازم است زودتر مراجعت فرمایند.

نمره ۲۲۹

۱۷ میزان ۱۳۰۱

۱۰ اکتو ۱۹۲۲

[۵۵۲۰۸ - ن]

## [۳۱]

ریاست وزراء  
ورقه تلگرافی

به تاریخ ۸ سرطان ۱۳۰۱

۲۹ ژوئن ۱۹۱۱

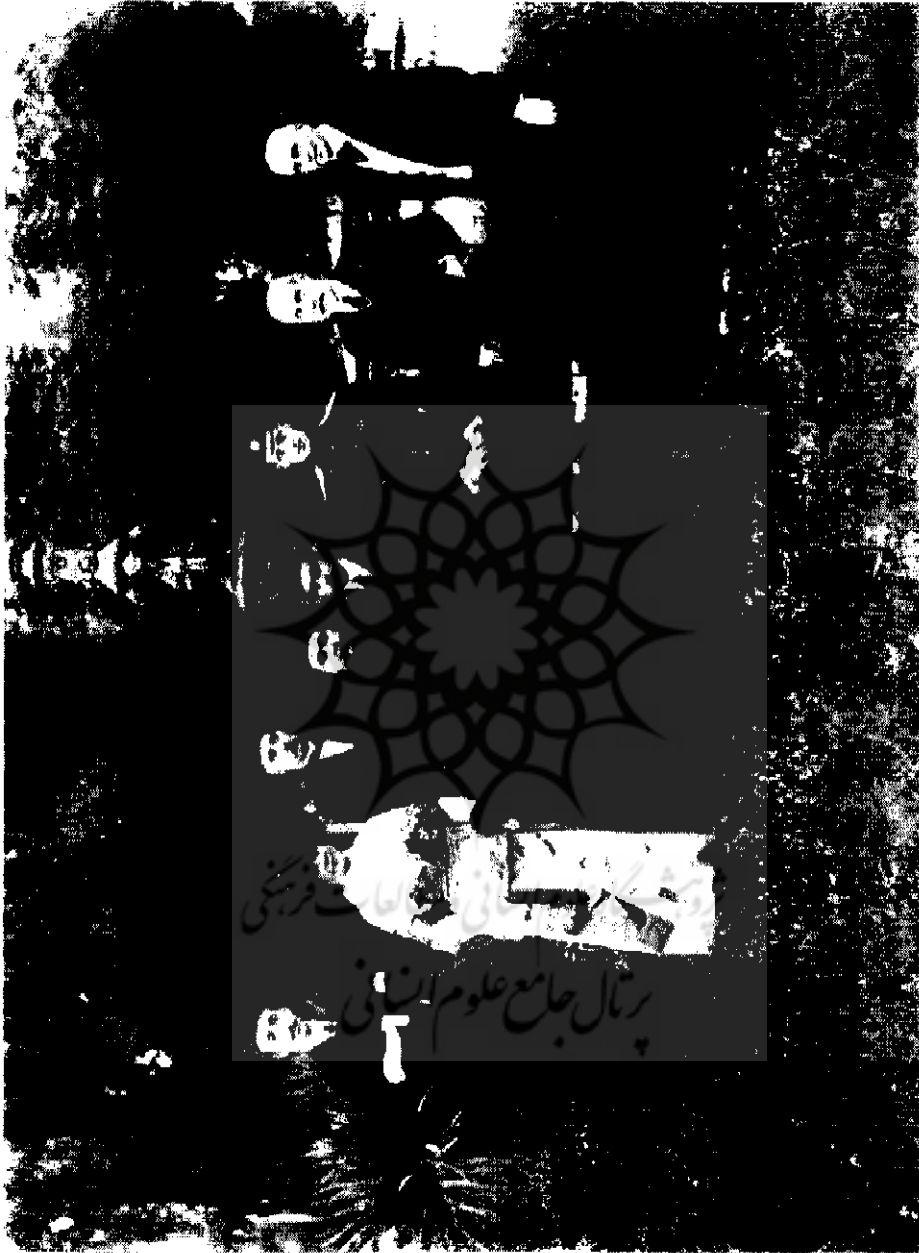
نمره ۱۶۷

به اعلیحضرت همایونی رمز شود!

بعد از عرض غلامی، جسارت می‌ورزد قبل از آنکه غلام مأمور تشکیل کابینه شود مجلس تغییری در ماده امتیاز نفع شمال داده بود که دولت در اعطای این امتیاز با کمپانیهای مستقل دیگر آمریکایی نیز داخل مذاکره شود. نمایندگان کمپانی سینکлер، که مدتی است در طهران هستند، پیشنهادی برای امتیاز مزبور دادند و تحت مطالعه است و فعلاً با کمپانی سینکлер و استاندارد در مذاکره هستم و نتیجه هرچه شد به عرض خاک پای مبارک خواهم رسانید.

راجع به تسویه کار آذربایجان، که چندی قبل ساوجبلاغ را اکراد اشغال نمودند، قوای کافی از طهران اعزام گردیده است. اوضاع بروجرد و لرستان نیز، که از چندی قبل به

۱۸. چند کلمه ناخوانا



سفر به اروپا؛ احمدشاه قاجار، نصرت‌الدوله، شمس ملک آرا و نصرت‌السلطنه [۹۰-۹۶ع]

واسطه تجاوزات الوار مغشوش شده بود، از مرکز قوای نظامی اعزام و امید است امور آن حدود به زودی تسویه شود. در گیلان سید جلال نام از چندی قبل عده [ای] دور خود جمع کرده مشغول شرارت است؛ در آنجا قوای نظامی مشغول تعقیب اشرار هستند. اوضاع مرکز نسبتاً بهتر و از هتاکی جراید جلوگیری و چند روزنامه توقیف شد. غلام و عموم چاکران انتظار قدم مبارک را دارند و امید است تا ورود موکب مبارک بهبودی کامل در وضعیات حاصل گردد. وقایع را، آنچه قابل عرض باشد، مرتباً جسارت خواهم نمود.

[۵۵۲۷۳-ن]

## [۳۲]

## ریاست وزراء

به اعلیحضرت همایونی رمز شود؛

به زیارت دستخط جهان مطاع مفتخر. تأخیر عرض جواب به واسطه کسالت چند روزه غلام بود؛ مطالب لازم را در معروضات سابق به عرض رسانیده به اقبال بی‌زوال همایونی اوضاع از هر جهت رو به بهبودی است. اردوی آذربایجان پیشرفت عمده نموده، سلماس را اشغال و قوای اکراد با تلفات سنگین هزیمت یافته‌اند.

چند روز است پیشنهاد استاندارد رسیده. ماده اساسی آن راجع به عدم واگذاری امتیاز و سهام آن به اتباع خارجه است که برای تمام مدت امتیاز تعهد نموده است غیر از صد و بیست سهام که دولت و اتباع ایران حق دارند خریداری نمایند. بقیه سهام را از کمپانیهای اصلی و فرعی خود استاندارد مالک خواهد بود. پیشنهاد مزبور با پیشنهاد سینکالر تواماً به کمیسیون مخصوص مجلس ارجاع و با شرکت دولت مشغول مطالعه هستند؛ نتیجه هرچه شد به عرض خواهد رسانید.

در باب حواله حقوق اعلیحضرت محمدعلی شاه چون عایدات نطف جنوب برای وثیقه قرض جدید آمریکا تخصیص یافته فعلاً مذاکره این مطلب تولید محذور می‌نماید. و به این جهت است که غلام محل آن را در عایدات گمرک قرار داده. در اول تشکیل کابینه یک هزار لیره حواله و چندی قبل نیز یک قسط سه ماهه برات شد. خاطر مبارک نگران نباشد مرتباً اقساط خواهد رسید.

اتومبیل مرحمتی رسید. جسارت نمودم محض تفریح خاطر ملوکانه بود حالا که در



پیشگاه مبارک به طور جدی تلقی شده با کمال افتخار امر مبارک را اطاعت و اتومبیل را دریافت نمود. در باب حقوق درباری اعلیحضرت همایونی تا چند روز دیگر به لندن برات و تلگرافاً خاطر مقدس را مطلع می‌دارد.

راجع به سفر چنانکه سابقاً معروض داشته در کابینه سابق این قانون تصویب و مجلس در اجرای آن جدیت دارد. خاطر مبارک را جسارتاً به این نکته متوجه می‌سازد که وضع این قانون مبتنی بر این بوده است که مأمورین سابق به واسطه طول مدت اقامت و عدم اطلاع از اوضاع فعلی ایران نمی‌توانند وظایف خود را از روی بصیرت و اطلاع کافی به انجام برسانند، مع‌هذا چنانکه رأی مبارک علاقه دارند با مجلس داخل مذاکره شده، اطاعت خواهد نمود. مأموریت امیر ارفع که مشمول همین قانون و شکایاتی از او رسیده و برای جلیل‌الملک اگرمان خواسته شده است.

در باب حقوق معین‌الملک حقیقتاً اعمال غرض شده زیرا هم پست درباری و هم شهریه او را در مجلس حذف کرده‌اند. اگر غلام در کار بود جلوگیری می‌کرد. حالا هم با کمیسیون بودجه مشغول مذاکره است و نتیجه را به عرض خواهم رسانید. صدور او امر مطاعه را مترصد است.

غلام بی‌مقدار،

احمد ۱۹

[۵۵۲۷۱-ن]

[۳۳]

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ریاست وزراء

پرتال جامع علوم انسانی

۱۲ ژوئیه ۱۹۲۲

استخراج رمز از پاریس؛

از قراری که مذکور شد، قانونی به مجلس پیشنهاد کرده‌اند که کلیه مأمورین که متجاوز از پنج سال در خارجه بوده‌اند منفصل و به جای آنها مأمورین جدید فرستاده



شوند. در اصل قضیه که دولت تغییر مأموری را مقتضی دانسته احضار نماید، حرفی نیست و همه کارها منوط به صوابدید دولت و مقتضیات نقاط مأموریت بوده است، ولی این مسئله را که یکی از مسائل اداری و موکول به نظر هیئت دولت است موضوع قانون قرار دادن نمی دانم اساساً چه صورتی خواهد داشت. گذشته از این که امروز اجرای این تصمیم اعلان احضار عموم مأمورین حالیه است، در صورتی که هر کدام مبالغی عمده از دولت طلبکارند و احضار هیچ یک قبل از پرداخت کلیه مطالبات مقدور نخواهد بود و در موقعی که همه مساعی برای صرفه جویی دولت است، ملاحظه نمایند چه زحمات دیگر در راه متوجه دولت خواهد شد. مسئله دیگر انحلال بعضی سفارتها از نقاط مهم اروپاست. می دانید هر یک از این سفارتها در مقابل مساعی و زحمات چندین ساله دولت در اروپا تأسیس شده و انحلال آنها البته مساعی این مدت را به هدر خواهد داد و عجب است که در این گونه امور اطلاع مرا به هیچ وجه لازم نشمرده باشند. علی ای حال، چون خودم در اینجا سوء اثر این را مشاهده می کنم لازم دیدم وقت دولت را جلب نمایم که شخصاً اقدامات (دو کلمه مغلوط) [کذا] مؤثر اصلاح بکنند.

شاه

[۵۵۲۰۰-ن]

۲۴۳

[۱۳۴]

ریاست وزراء

گزارش از پاریس، ۱۴ ژوئیه ۱۹۲۲ م

می شنوم حقوقی را که معین الملک جزو کابینه سلطنتی داشته قطع کرده اند. صحت و سقم آن را نمی دانم. البته می دانید که اوقات او همیشه مصروف به خدمت من است. بنابراین، چنین اقدامی را بعید می دانم. منتظرم اطلاعات خودتان را در این باب فوراً تلگراف کرده و اگر چنین چیزی صحت دارد مقرر دارید حقوق او را کمافی السابق برقرار نمایند و چون در سفر است عقب افتاده او را سریعاً برات کنید.

شاه

[۵۵۱۹۴-ن]

## ریاست وزراء

نمره ۱۸۵

به تاریخ: ۲۷ سرطان ۱۳۰۱

۱۸ ژوئیه ۱۹۲۲

تلگراف به اعلیحضرت همایونی؛

خاطر مبارک همایونی مستحضر است که سعدالدوله بابت دوره تصدی خود مطالباتی دارد و از این حیث اصلاً و فرعاً قریب هشت هزار تومان ادعا می‌کند و همه روزه برای وصول طلب خود به مجلس و غیرها توسلاتی می‌جوید و برای دولت نیز، با عسرت فعلی، پرداختن این مبلغ غیرممکن است. به علاوه، معلوم نیست واقعاً مطالبات ایشان چه صورتی دارد و تا چه درجه صحیح است. این است که برای کشف حقیقت از خاک پای همایونی استدعا دارد امر و مقرر فرمایید از اعلیحضرت محمدعلی شاه تحقیق نمایند که خاطر مبارکشان از این مطالبات سابقه دارد یا خیر؟ و آیا در موقع حمله بختیارها و مجاهدین به طهران...<sup>۲۰</sup> وجهی به سعدالدوله داده شده و یا وجه دیگری اختیار گذاشته شده بود یا اینکه واقعاً سعدالدوله از خود مخارجی کرده است؛ زیرا به نظر غریب می‌آید که سعدالدوله در آن موقع با سمت ریاست‌الوزرای موقتی...<sup>۲۱</sup> مبلغ زیادی به مصرف رسانیده باشد.

۲۴۴

## ریاست وزراء

نمره کتاب ثبت ۱۸۸

تاریخ ارسال ۲۷ سرطان ۱۳۰۱

۱۸ ژوئیه ۱۹۲۲

به اعلیحضرت همایونی؛

دستخطهای جهانمطاع زیارت: (۱) راجع به قانونی که از مجلس گذشته در کابینه



۲۴۵

احمدشاه ایامی که در ایران حضور داشت گاهی از مراکز نظامی بازدید می‌کرد  
احمدشاه، سردار سپه، علی تقدی [۲۸۵۷-۴۴]

آقای مشیرالدوله مبتکران مجلس وضع و کابینه مخالفت نداشته همان وقت قانون به سفرا ابلاغ و در تهیه وجه برای مطالبات آنها بوده‌اند. (۲) انحلال بعضی از سفارتخانه‌ها...<sup>۲۲</sup> در کابینه قبل برای تقلیل بودجه و راجع به نقاط غیر مهم از قبیل سوئد، اسپانی و غیره بوده در عوض نقاط دیگر مثل مصر و شاید لهستان سفارتخانه‌هایی جدیداً دایر می‌شود. بودجه بعضی سفارتخانه‌ها نیز افزوده شده و این موضوع در کمیسیون مجلس گذشته؛ مع‌هذا هرطور امر فرمایند چاکر اطاعت خواهد نمود. (۳) راجع به مصر؛ مأمور سابق در نتیجه قانونی که در فوق به عرض رسید احضار شده و با اجازه ملوکانه جلیل‌الملک برادر وحیه‌الملک به وزیر مختاری آنجا معین و اعزام خواهد شد. (۴) در باب حقوق اعلیحضرت محمدعلی شاه چون اساس مقصود مرتب رسیدن آن بود حواله گمرک شد و خاطر مهر مظاهر ملوکانه را مطمئن می‌سازد که بعدها مرتباً خواهد رسید. (۵) راجع به

مجانی بودن مخابرات بعد از زیارت دستخط سابق، با کمپانی هند و اروپا مذاکرات به عمل آمده، کمپانی اظهار تأسف می‌کند که نمی‌تواند...<sup>۲۳</sup> این ترتیب را معمول دارد. (۶) راجع به وجوهی که از بابت بودجه دربار باید تقدیم شود با وجود عسرت فوق‌العاده صندوق، که در مقابل مخارج هنگفت امروزه بی‌نهایت در مضیقه است، چاکر سعی خواهد نمود امر مبارک را بعد از وضع قیمت اتومبیل مرحمتی که فراموش فرموده‌اند تهیه و تقدیم نماید. (۷) در باب حقوق آقای معین‌الملک از کمیسیون بودجه مجلس مراتب را تحقیق و حسب‌الامر اقدام خواهد نمود. [۵۵۱۹۳-ن]

## [۳۷]

ریاست وزراء  
ورقه تلگرافی

## استخراج تلگراف پاریس؛

جناب اشرف رئیس‌الوزراء،

۲۴۶

تلگراف شما رسید. تصور می‌کنم که اعتماد مرا نسبت به خودتان می‌دانید و به شما معلوم شده که در غیبت خودم تمام اطمینان من به مراقبت و اهتمامات خالصانه شماست. از اینکه نظریات مرا راجع به قانون سفراء حمل بر عدم مساعدت نموده‌اید بسیار تعجب کردم؛ زیرا که از همراهی با شما به هیچ قسم دریغ ندارم. و اگر من هم گاهی در یک سلسله نظریات خود را اظهار کنم نباید شما آن را حمل بر عدم مساعدت نمایید. به واسطه احاطه که به جریان سیاست در اروپا حاصل کرده‌ام عقیده‌ام این است که نظر به اصلاح مملکت لازم است شما نسخ قانون مذکور را به دلائل معلومه از مجلس تقاضا نمایید؛ و این تقاضا از طرف دولت به هیچ وجه منافعی یا ترتیبات قانونی نیست. البته من حفظ و احترام اصول مشروطه و اجرای قوانین را اولین وظیفه خود می‌دانم و یقین است از آن قصور نخواهم کرد و کمال اعتماد را به شما داشته و دارم.

شاه

[۵۴۹۲۰-ن]

[۳۸]

ریاست وزراء  
ورقه تلگرافی

از پاریس ۳۱ ژوئیه

جناب اشرف رئیس الوزراء،

تلگراف شما رسید؛ از سلامتی شما خوشوقت شدم. هیچ از اوضاع ایران خبر ندارم؛ لازم است اقلأ هفته [ای] یک مرتبه مرا از جریان امور مملکتی مطلع نمایید.

در باب حقوق اعلیحضرت محمدعلی شاه مکرر تلگراف کرده‌ام؛ مجدداً هم اظهار می‌کنم که باید خودتان بدانید که اعلیحضرت معظم که محل معاش دیگری غیر از این حقوق ندارند و نرسیدن آن فوق‌العاده برای ایشان در اروپا اسباب گرفتاری است؛ محل گمرک که تعیین کرده‌اید مناسب نیست و محلی لازم است که مرتباً اقساط ایشان را سه ماه به سه ماه در اسلامبول بپردازد. جداً از شما می‌خواهم که محل حقوق ایشان را از عایدات فقط جنوب قرار بدهید که از این جهت اسباب اطمینان و راحت خاطر ایشان فراهم شود و فوق‌العاده مرا ممنون کرده باشید.

ثانیاً، اتوموبیلی را که به شما وعده کرده بودم به وزیر دربار تلگراف کردم که تعلیم کند؛ از قبول آن خوشوقت خواهم شد.

ثالثاً، در باب حقوقهای خودم خوشوقت خواهم شد که هرچه زودتر آن را حواله لندن نمایید که اقلأ کمک خرجی بشود و منتظرم که به همین زودی برسد.

رابعاً، راجع به سفر عقیده من همین است که تلگراف کرده‌ام. این ترتیب سالیانه را صلاح نمی‌دانم، البته باقی بسته به رأی دولت است.

خامساً، راجع به حقوق معین‌الملک خوشوقت هستم که هرچه زودتر ترتیب آن را داده عقب افتاده او را فوراً برات نمایید که از عسرت فوق‌العاده آسوده شود.

سادساً، راجع به مأموریت...<sup>۲۴</sup> امیر ارفع خوب خدمت کرده و تغییر او به عقیده من لزومی ندارد. البته باز بسته به نظریات دولت است.

به ذکاءالدوله تمثال اول با حمایل آبی مرحمت شده خوشوقت هستم که تمثال آن را شاه تهیه و برای او بفرستید.

[۵۵۲۷۲-ن]

## ریاست وزراء

نمره ۲۰۰

به تاریخ ۱۱ برج اسد ۱۳۰۱

۱۳ اوت ۱۹۲۲

به اعلیحضرت همایونی رمز شود:

بحمدالله اوضاع رو به خوبی است. قضیه بروجرد و لرستان تصفیه شده و در آذربایجان قوای کافی تجهیز. فقط از حیث پول، عسرت فوق العاده حاصل و راه گشایش منحصر به گذشتن امتیاز و رسیدن وجه استقراض است. مذاکراتی با دو کمپانی جریان دارد. پیشنهاد قطعی استاندارد تا چند روز دیگر خواهید رسید و نتیجه را به عرض خاک پای مبارک می‌رسانم.

چنانکه خاطر ملوکانه مستحضر است از پارسال مذاکره مستشار آمریکایی در میان بود؛ اخیراً دولت آمریکا دکتر میلسپو را که شخص فاضل و عالی مقامی است معرفی نمود و در مجلس با اختیارات کافی به سمت رئیس کل مالیه استخدام شد. اوامر مطاعه را منتظر است.

۲۴۸

به اعلیحضرت همایونی رمز شود:

در تلگراف دیروز به عرض رسانیده بود که قوای دولتی سلماس را اشغال نموده. اخبار امروز مشعر است بر اینکه چهریق نیز، که محل اسماعیل آقا بود، بعد از تصادمات شدید اشغال و مشارالیه با عده قلیلی فراری و قوای دولتی به تعاقب او رفته‌اند. تمام نقاطی که در دست اسماعیل آقا بود به تصرف قوای دولتی درآمده، و به اقبال بی‌زوال همایونی این غائله خاتمه یافته است.

۲۲ اسد

۱۴ اوت

[۵۵۲۶۹-ن]

[۴۱]

استخراج رمز از پاریس:

ماهی سه هزار تومان و کسری از بودجه دربار به شخص من می‌رسد و از وقتی که حقوق دربار عقب افتاده این مبلغ هم نرسیده. می‌دانید در این مسافرت از طرف من هیچ تحمیلی به دولت نشده. با مخارج گزافی که برای حفظ آبرو تحمل می‌کنم ممنون می‌شوم عقب افتاده را از بابت بودجه دربار جداگانه حواله و برات تلگرافی بفرستید کمکی به مخارج بشود. چون مبلغ گزافی نیست یقین هم که از مساعدت مضایقه نخواهید کرد. شاه

[۵۵۱۹۵-ن]

[۴۲]

ریاست وزراء

یادداشت

استخراج رمز پاریس، ۱۰ اوت

جناب اشرف رئیس الوزراء،

سالارالدوله را در مسافرت سویس ملاقات کردم. ترتیب معیشت او مختل و خیلی بد بود. مدتی هم هست مختصر شهریه که از دولت دارد نرسیده. وعده کردم که در این باب مساعدت دولت را جلب نمایم. چون حقوق او مبلغ مهمی نیست برای حفظ آبروی دولت می‌خواهم هرچه زودتر قرار ایصال عقب افتاده ایشان را داده برای خودشان بفرستید و نتیجه اقدامات خودتان را اطلاع بدهید. شاه

[۵۵۲۶۶-ن]

[۴۳]

ریاست وزراء

یادداشت

جناب اشرف رئیس الوزراء،

تقریباً بیست روز متجاوز است که چندین تلگراف در باب محل حقوق اعلیحضرت

محمدعلی شاه و عقب افتاده حقوق خودم و...<sup>۲۵</sup> سفراء کردهام و هنوز جوابیه صریح مساعد نرسیده در صورتی که تلگرافات در همان روز مخابره به...<sup>۲۶</sup> می رسد. جای کمال تعجب است که تلگرافات من بی جواب باشد. گرفتاریهای شما را می دانم و تصدیق دارم؛ ولی آسایش خاطر من هم از وظایف دولتخواهی شماست و منتظرم که هرچه زودتر جواب مساعد این مسائل را تلگرافاً بفرستید.

[در حاشیه:]

دستخط تلگرافی که در تاریخ دهم اوت به افتخار غلام صادر گردیده موقعی زیارت شد که پنج روز قبل از آن جواب مقررات تلگرافات سابقه را به عرض خاک پای مبارک رسانیده بود، و البته تاکنون از لحاظ اقدس همایون گذشته است. از بابت بودجه درباری مبلغ بیست هزار تومان امروز که ۱۹ اوت است به لندن برات شد؛ البته تقدیم خاک پای مبارک خواهند نمود. راجع به حقوق حضرت اقدس والا سالارالدوله قسط سه ماهه از بات هذه السنه برات شده و یقیناً تا حال به ایشان رسیده است. برای سایر اقساط ترتیب داده شده است که مرتباً برسد. خاطر مبارک اعلیحضرت همایونی را از این بابت کاملاً مطمئن می سازد. وزارت معارف برای طبع دیوان شیخ ابوالفتح استدعا کرده است مقدار کاغذی که در دربار اعظم از ایام رژی موجود و قسمتی از آن هم فاسد شده است به وزارت معارف مرحمت شود. وزارت دربار هم موافقت دارد اجازه...<sup>۲۷</sup>

[۲۷ اسد ۱۳۰۱ - ۱۹ اوت ۱۹۲۲]

[۵۵۲۶۵ و ۵۵۲۶۷ - ن]

۲۵۰

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

ریاست وزراء

تلگراف بندگان اعلیحضرت همایونی از لندن، ۲۵ اوت

جناب اشرف رئیس الوزراء،

تلگرافهای شما رسید. اولاً از فتوحاتی که در صفحه آذربایجان شده فوق العاده خرسند و مشعوف هستم و از خداوند برای دولت در انجام خدمات مملکت موفقیت





می طلبم. در باب حقوق اعلیحضرت محمدعلی شاه حالا که تخصیص عایدات نطف را عجالاً مقتضی ندانسته‌اید، خوب است اول معلوم نمایید که گمرکات کجا را می‌خواهید به محل حقوق ایشان تخصیص بدهید؛ ثانیاً برای تسهیل وصول آن لازم است ترتیبی بدهید که گمرک به ایصال آن ملزم باشد و با بانک قرار بدهد که حقوق ایشان را سه ماه به سه ماه بانک شاهنشاهی منظمأ بپردازد چون این ترتیب آخرین وجه حلی است که به نظر می‌رسد. منتظرم در اجرای آن جدیت کرده نتیجه اقدامات را فوری اطلاع داده، به علاوه، عقب‌افتاده ایشان را هم هرچه زودتر حواله کنید.

در باب سفرا، چنانکه مکرر تلگراف کرده‌ام، این ترتیب جدید مخالف با ترتیبات جاریه است و ابدأ صلاح نمی‌بینم؛ و مخصوصاً از وظایف...<sup>۲۸</sup> شما می‌دانم که دلایل این تصمیم را به نظر دقت ملاحظه و در اصلاح آن اقدامات جدی نمایید. راجع به امیر ارفع خود من در خارجه و از رفتار مأمورین مسبوق هستم. ابدأ شکایت موجهی از او نیست. از عهده خدمت هم خیلی خوب برآمده و تعجب دارم از اینکه، قبل از تحصیل رضا و اجازه من، برای مأمور جدید اگرمان خواسته شده است. بنابراین تغییر او را تصدیق نمی‌کنم و برای دیگری و سایرین اعتبارنامه نخواهم داد. همین‌طور است مسئله احضار نواب از برلن که امروز شنیده‌ام و تعجب دارم که مخصوصاً در موقعی که پادشاه مملکت در خارجه است و وزرای مختاری که نماینده او هستند بی‌اطلاع و رضای او یکی بعد از دیگری احضار و به جای آنها مأمورین جدید برقرار می‌شوند در صورتی که من از همه این اقدامات بیخبر مانده‌ام؛ و باید بی‌پرده بگویم که این ترتیب به نظر بسیار غریب می‌باشد و من نخواهم توانست با اجرای آن اظهار موافقت کرده یا به مأمورینی که به این ترتیب برقرار می‌شوند رضا بدهم. و البته باید یقین بدانید نظری که راجع به این مسئله اظهار می‌کنم ابدأ راجع به اشخاص نیست و فقط برای حفظ اساس است که از نظر من کمال اهمیت را دارد.

در باب حقوق معین‌الملک تردیدی نیست که اعمال غرض شده و مطمئن هستم که شما هم این معنی را تصدیق می‌کنید. تعجب در این است که حقوق منشی حضوری را که در رکاب یک پادشاهی به سفر رفته و شب و روز مشغول خدمت دولت است از روی چه قاعده قطع و حذف می‌کنند و با اینکه مکرر تلگرافاً در این مدت تأکید کرده‌ام، هنوز معوق مانده. من شخصاً از شما انتظار دارم در جبران این فقره و اصلاح مسئله سفرا اقدام

۲۸. در اصل، سند چنین است.

شاه

جدی نموده مرا از نتیجه مطلع نمایید.

[۵۵۱۵۲-ن]

[۴۵]

از پاریس؛

تلگرافی در باب حقوق اعلیحضرت محمدعلی شاه کرده بودم، جواب آن هنوز نرسیده؛ ولی از جوابی که به خودشان داده بودید مطلع شدم. محل گمرک برای ایشان تعیین کرده بودید؛ محل داخلی است. لازم است برای ایشان محلی در خارجه تعیین شود که از این جهت آسوده باشند چنانکه در تلگراف سابق گفته بودم محل آن را از عایدات نطف جنوب قرار داده و عقب افتاده ایشان را هم از همان محل حواله کنیم (؟) کمپانی نطف هم به کلی مساعد است.

[در حاشیه:] در باب حقوق اعلیحضرت محمدعلی شاه چون اساس مقصود مرتب رسیدن آن بود، حواله گمرک شد. خاطر مهر ملوکانه را مطمئن می سازد که بعدها مرتباً خواهد رسید.

[۵۵۱۹۷-ن]

[۴۶]

ریاست وزراء

نمره ۲۱۶

۷ سنبله ۱۳۰۱

۳۰ اوت ۱۹۲۲

به اعلیحضرت همایونی رمز شود؛

دستخط جهانمطاع صادره ۲۵ اوت، ۳۰ اوت زیارت. از مراحم ذات اقدس متشکر توفیق مزید خدمت و جان نثاری را مسئلت دارد. در باب حقوق اعلیحضرت محمدعلی شاه به اداره گمرک حکم شده است سه ماه به سه ماه مرتباً برساند. تخصیص محل پرداخت با وضعیت گمرک، که خاطر مبارک بهتر مسبوق است، مشکل و به عقیده چاکر ضرورتی هم ندارد. گمرک پرداخت مرتب آن را به وسیله بانک متقبل و موضوع نگرانی

مرتفع است. در باب تغییر سفیر، چون تصور نمی‌رفت بعد از وضع قانون و اطلاع سفارتخانه‌ها توقف مأمورین سابق را در خارجه تصویب فرمایند، به این جهت برای مصر جلیل‌الملک، برای برلین نصرالملک، برای رم وجیه‌الملک معین و از مقامات مربوطه برای آنها اگرمان خواسته شده است. در صورتی که امر مبارک بر ابقاء مأمورین سابق صادر شده راه دیگری جز پیشنهاد جدید به مجلس و تقاضای نقض قانون سابق به نظر نمی‌رسد و با اطلاعی که چاکر دارم باید خاطر مقدس را مسیوق کنم که مجلس به تغییر این قانون رضا نخواهد داد و قهراً بحران جدیدی پیش خواهد آمد. مع هذا چاکر از نقطه نظر شخص خود به بحران اهمیتی نداده افتخار اجرای امر ملوکانه را ترجیح می‌دهم و برای پیشنهاد به مجلس منتظر امر ثانوی هستم.

در باب معین‌الملک تا حال مکرر مذاکره کرده و مقاومت خواهم کرد که امر مبارک را به موقع اجرا برسانم. الان که عریضه را ختم کردم مراسله در مجلس...<sup>۲۹</sup> راجع به تأخیر اجرای قانون مدت اقامت سفرا رسید که باید در مجلس جواب داده شود با جدیتی که مجلس در این موضوع دارد و چنانکه ملاحظه می‌فرمایند نمایندگان اقلیت و اکثریت هر دو مخالف تأخیر اجرای قانون هستند هر طور امر دستور فرمایید جواب داده شود.